

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وَبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

PF2513

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي خلق الانسان جسد لصبغة والمرض موضوعا للابدان ^{الطبي} وفصل على محمد وآله
والطاهرين واهل بيته البكرين اما بعد فقير حقير سيد رضا حسن جعفري عفي الله عنه که از سر طفولیت
شائق علم و هنر بود و چنانچه حسب دستور زمانه بعد تحصیل علم فارسی و صرف نحو نوبت کتب درسیه
منطقیه رسید و والد بزرگوار وجد نامدار که از قدیم الایام نظر فیض اثرشان در تحصیل کناییدن علوم
مسطوره محض برای حصول ماده فنی طلب بود و بهم اکثر اوقات صفت و شناسی علم مذکور و بر روی
بنده از لسان مخبر بیان میفرمودند روزی تاکید ارشاد فیض بنیاد برای تحصیل علم معلوم گردید
بنده نیز عدول حکمی شان خلافت خدا و رسول شمرده و بهم مصداق اینکه العلم علما علم الابدان
و علم الادیان تحصیل علم مصروف گردید و از اکثر فضلای کبار و اطباء می نامد ارشاد اینکه
مصرع متاع نیک هر دوکان که باشد چه حاصل خست مگر چونکه علم نداد و آن عمل بکار نمی آید باریان
بذریعه غریزی و عنایت فرمائی بخدایت فیض جت جناب معلی القاب فیض شمس عالم و عالمیان
مسیح زمان جناب حکیم مزار احمد نواب صاحب خلعت جناب مستطاب حکیم مزار محمد رفیع صاحب
طاب الدشاده و جسد الجسته مشواه حاضر آدم جناب مدوح بنده بر روی سبکدان
شریف نوابی پایان بر حال رسیدن بنده دل داشته حکم حضوری بطبق نسخه نویسی فرمودند

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

تبعیت از دست وزیران که برآید بکرو عجب شکرش بدرآید بعد القصد ورمی بخاطر عقیدت آثار
گذشت که اگر نسخ جاریه و قواعد معمولیه طلب و دیگر مجربات مسعودات و ممتحنات مفردات و کلمات
برای ما بود اشت جمع نموده شود خالی از فائده نخواهد شد بنابر آن آنچه در زمان تعلیل بنظر خطریل
گذشت فراهم نموده شد امید از ناظرین مختصر بدانیکه اگر خطائی ملاحظه فرمایند نظیر کمی اثر غلطی
اوست و آن لغز نموده صحوکات یا خطای مولف تصور فرمایند زیرا که الانسان مرکب من الخطا و
والنسیان و بدان غفوب پوشی نمائند و الدخیر الساترین و قد رتبت بذالک
على ترتيب الحروف التهجی و سمية ما بالمجربات الرصا و بعد جامع المختصر
مقدمه

در بیان اکثر اوزان طبعیه که اکثر الامر احتیاج بآن می آید ال وزن قیاس الشی بالشی
سواد کان بحسب الکتبه او غیره تقسیم اوزان حسب یک جو طبع و دو جو قیاس چهار جو
سرخ یک جو متوسط باشد شش رتی توله و دوازده داشته تا یک چهار باشد و آنق و دانگ
چهار و نیم رتی و ارم و دوازده داشته و بقول صاحب مخزن لبست باشد در هم سه و نیم باشد
شقاق چهار و نیم باشد سیر شاہی یک توله شش باشد اوقیه دقیقه سه توله رطل هندو
لبست و نه آنار شاہی سن طبعی چهار آنار شاہی استار یک توله بنده چهار باشد نسوة
و دوازده باشد باقلا یک نیم باشد ترسه پنج سرخ جوڑه و توله ازده و دهن رطل کبیل
سنی و شمش عین طبعی صاع چهار سن طبعی کبیل پنج سن طبعی قنیر لبست و پنج من کیاس
یک توله چهار باشد مکوک سه کبیل خربوب یک قیاس ابراق و من طبعی کف شش درم
پلتیه ده درم قنطاری و در رطل و ورق شش و نیم رطل اناب الحسل و نیم رطل طبعی
من تریزی سه توله حصه چهار چهارم جو در هم سه باشد دینار چهار باشد بملول چهار و ده
و دوازده باشد پیله ده باشد

باب الالف

اطریکل کشتی مقوی و ماغ پوست بلیله زرد و پنج توله و پوست بلیله کابلی
پنج توله و بلیله سیاه پنج توله و پوست بلیله پنج توله آله مقشور

سسته پنج توله و کشنیر خشک پنج توله کوفته بخته بروغن بادام شیرین یا بروغن گاو سسته توله
خالص حرب نموده با سه چندان غسل مصفی بقوام آورده بدستور اطر فیل سازند (نصف)
اطر فیل مرکب برای تقویت دماغ و برای رفع زکام و نزله و ضعف دماغ مفید و لذت یابنده
و ده عدد بلبله مربی و ده عدد باب گرم سسته نرینه ریزه کرده بعرق کیویج بقدر موافق
سایت پاره پاره نموده شیره مویر منقی تیم یا شیره کشمش نیم یا شیره مغز بادام شیرین
سه توله شیره مغز تخم کدوی شیرین دو توله قند سفید سه وزن امیخته بقوام آورده پوست
بلبله زرد چهار توله پوست بلبله کابلی چهار توله بلبله سیاه چهار توله پوست بلبله چهار توله
آله منشر منقی چهار توله گل سیوتی چهار توله کشنیر خشک سه توله گاو زبان گیلانی دو توله
برگ بادرنجبویه دو توله گل نرفته دو توله اسطوخودوس یک توله کوفته بخته بروغن بادام شیرین
حرب نموده در قوام مذکور امیخته بدستور اطر فیل سازند نقطه (نصف) اطر فیل مرکب منقوی
دماغ و جفایا غصا مهبی سمین بن مغز تخم کدوی شیرین یک توله مغز تخم تربت یک توله امیخته
یک توله مغز بادام شیرین سه توله مغز الزلم یک توله مغز جلیون یک توله مغز تخم خیار
توله مویر منقی نیم یا کشمش نیم یا مغز بادام شیرین چهار توله چشمانک آثار
مر با جو بلبله چشمانک آثار مر با جو آله چشمانک آثار و ده بعرق کیویج بقدر موافق سسته
پاره پاره نموده آب ابریشم خام و دو توله قند سفید سه یا غسل مصفی نیم آثار بقوام آورده و ده
مستحضره افزوده پوست بلبله زرد سه توله پوست بلبله کابلی سه توله بلبله سیاه سه توله پوست
بلبله سه توله آله منشر منقی سه توله گل نرفته یک توله گل سیوتی یک توله کشنیر خشک سه توله
گاو زبان گیلانی دو توله بادرنجبویه یک توله اسطوخودوس یک توله کوفته بخته
باروغن بادام شیرین هفت توله حرب نموده بقوام مذکور انداخته بدسته جوین
بسیار زده بدستور اطر فیل سازند و طرف چینی یا سفال نکهارند و به سینه بکارند

فصل

بر آنکه بلبله مربی و مغروس خیار شنبه با لخته صحراندا اندهند و درون مصلح استعمال کنند
نیم کف دست روغن اندا خضر و ملاوغن بادام شیرین بنا بر آن لازم است که در نسخ اطر هلات

و لعلات یا با یکدیگر چنین ادویه باشند در غن مذکور نیز داخل نمایند ایضا و ستودن در غن
نبت که در ظرف معلوم داشته شود شش محکم بنویسند اقل الا نام تا حمل نوزد و در غن کنند
تا که مزاج گسسته و حتی الامکان تا با نقصانی میعاد معلوم است تعالی نکند و اگر غن
قوی لا حق حال گردد و عالم مجبوری است و اگر مع تقویت بلنکین منظور باشد اجزای بلنکین
مثل زنجبین و شیر خشک و غیره داخل نمودن و وزن غسل مقدار آن کم نمون تا که شیرینی یابد
نشود مضائقه ندارد و قید مصفی در غسل است که از کف گرفتن حدت غسل کم میشود
اعل سید برای تقویت هضم و کسریاج تر سبب است تولد زنجبیل سنبه و ده تولد میل کتیر
نافل سیاه یک تولد باریان یک تولد نذر البلیغ سفید یک تولد اجوین و سی یک تولد
گرس یک تولد سار کلی یک تولد تر سبب و محو فرائش یک تولد قضا زیزه
یک تولد شطرح یک تولد با و بنک یک تولد زیزه سیاه یک تولد زیزه سفید یک تولد
موصلی سیاه یک تولد موصلی سفید یک تولد پیلا سدر یک تولد گو کهر و سی کلان یک تولد
گو کهر و سی خرد یک تولد لچون یک تولد سافج سندی یک تولد فلفل صغیر یک تولد
فلفل کبیر یک تولد تخم حکون یک تولد تخم یک تولد سعد کونی یک تولد کنگره یک تولد
بخار باریان یک تولد کشنی خشک تولد نمک ساخنر سه تولد نمک سیاه سه تولد نمک ایچی
یک تولد فلفل خشک یک تولد تخم قرمندی نقشه یک تولد لونا محلی یک تولد سراج کونیه
بخشیده قدری سراج بید تراشید در میان آن اجزا پزوده هرگاه جذب شود باز اوین بپزند
برگشته که تمام اجزای مذکور در آن جذب شود پس بالایی آن عرق لیموی کانهندی بچکانند
تا که عرق یک صد و یک لیمو جذب کند و خشک شود و صبح بخار بر زودتر خوراک موافق متاب
و مزاج ایارج لونا و یا برای جمیع امراض بار و چون لفعه و فالج و استرنا و پیچ و
و نیز امراض عصبانی و جلدی و ایضا جلدی شصت کلی و در ارطش و غیره نافع تخم
خطل چند درم غنصل مشوی چهار درم غار یقون چهار درم مقو نیای مشوی
چهار درم نیم درم حریف سیاه و چهار درم درم انش و چهار درم نیم درم لوم و نیمی چهار درم
استرین و لایبی سه درم لست و زوئوسل سه درم نقل از زرق سه درم سبب

عنه و این گفتار را به دست بعضی از بزرگان اسمندی است و بعضی گویند که زنده ای که از نسل او میماند یا هر کس که در آن

2000

سنگ درم حاشاد و درم سانج سندی و درم قنبر سیون و درم جسد و درم
 سیلخه و درم فلفل سیاه و درم فلفل سفید و درم دار فلفل و درم فلفل و درم
 برفانج و درم سکنج و درم جاد شیر و درم حبسید و درم صرصات
 و درم فطر اسالیون و درم حماماد و درم زراوند طویل و درم عصاره فستق و درم
 فستق و درم سنبلیط و درم خطبیا نایک نیم درم اسطوخودوس
 یک نیم درم کوفت خجسته عسل صفی سه وزن ادویه بقوام آورده بدستور ایارج
 سازند و اگر درین نسخه استیاج تقویت قوی منظور باشد مرجان سرخ و درم مر و درم
 سدر و درم ورق طلا محلول یک نیم درم ورق نقره محلول یک نیم درم اضافانده خوراک
 ناسته شقال باب نیم گرم باار اهل و انسب است که بوقت خواب شب خورند و صبح جوشانند
 برفانج چهار ماشه نه و چهار ماشه استیمون و لایق چهار ماشه اسطوخودوس باشد
 نمونز منقی کسان الشو چهار ماشه پوست بلبله کابلی شش ماشه بنوشند

بیان ادویه که با التخاصه مفید اند

ادویه که با التخاصه برای سرد معده اند عدد الصلیب تعلقات شراب و سحر طاجا و شیر
 قطره احب و در لین مرصعه حل کرده بطل دادن مفید ادویه که برای
 آسانی وضع حمل بخار میزند سوس سر آدمی سوخته خاکستر آن با گلاب بر سر نهادن
 و زبل حمام بر بی سوزانیدن و دودش گرفتن و بسد بران رست لیکن و سم اسپاه
 سوزانیدن و دودش گرفتن و خرسوس سوزانیدن و دودش گرفتن در آسانی
 وضع حمل دخل کلی دارد ادویه که برای ناسور مفید اند خاکستر بنفشه سوخته و زب
 سگ سوخته و خنیزندق هندی بار یک سوده پاشیدن و خاکستر گل بنباکو و سحر و در
 یعنی رانی رسم سوخته پاشیدن در بخودن ناسور عجیب الاثر است و آخوان گوسفند و شیر زن پاشیده
 پر کردن مفید خون سگ کهنه بقتیل آلوده و ناسور نهادن مردار سنگ در شمع مخلوط نموده
 بروی ناسور نهادن خالی از فائده است ادویه نافع شرعی یعنی سنی زیره جارب
 کل طحری آرد مونگ بذیر البیج خود غرقه صندل سه رخ گل ارمنی

در این نسخه ادویه که با التخاصه مفید اند

۴
 و دوی که بوی بد فرج را از اهل گوناگون بخورند بزرگ تپ در فرج رسانند از غصه زده بزرگ تپ
 فرج را استسین گل حبلی سرخ زده در قدری آب بلع دهند پس بگذارد که بیشتر شود
 بعد از آن روغن که بر روی آب آید بدست کشید بر فرج مالیدن مفید مشک کافور
 جوز بواعود و زعفران سوارس گل سرخ کوفته بخیته بخور آن در سرج گیرند و دوی
 که موسی را برویاند شو تیرا بسوزانند و آب طلا کنند مغر سر رو باه مالیدن با پنج صده
 اثبات موسی کند و پزناغ و سرگلکس نیم سوخته و سم الارغ نیم سوخته بمغز و یا محبو غا بار
 زیتون بنبت سوت و بدستور چون ده عدد گردگان را با پوست و دانه خرمایک شقال
 بسوزانند بر تبه که توان سائیده نه آنکه خاکستر شود بار و غن زیتون و با گل سرخ و پانزده
 عدد غفل مالند بر لغا اثبات موسی کند و چون پوره ارغنی و نو شاد و بسوزانند و با سر طلا کنند
 در سه روز موسی برویاند و بتدیل طلا بد چاکتری میخورد و یا شند و اما دین سیر
 اودویه که منع رویانیدن موسی کند مالیدن مغر سرگوسفند و مالیدن آبک اسقاط موسی بیناید
 و بار و بندن نمیدهد و بجه مسوق با غسل در منع روئیدن موبعد قلع مجرب است و چون صمغ
 عرعر را بار و غن بعد از قلع موبالند اصلا موسی نرود و مجرب است اودویه که موسی را بیدار
 کنند آب برگ چقدر پایا موسی سبز شود و بر سر مالیدن موسی را محمد گرداند و حله
 و بذر البنج و در دار سنگ و برگ سیدر و علف من مانج و برگ سرو و تخم سرو و گیت و گل سرخ
 و آنک آب ناریه بار و چند آن آب برگ چقدر استعمال نمایند اودویه وجودت را
 بر طرف سازند کل لعابات بار و غن و آب و زرا امل نمودن وجودت از تمام دارند خصوصاً
 شستن آب بلعاب و طنج برگ کف و طنج ریشه توت سیاه و سفید در دفع وجودت
 عجیب الاثر است اودویه مجرب برای فته و ح کلیه و شانه برگ نازه نورسته سفیدان شب
 در آب تیز کرده و بر آسمان بگذارد و صبح آب زلال آن گرفته کهر بار شمع یک دانگ
 صمغ الکوبالود و دانگ با صمغ خاوری سوده باشد تا یک هفته نبوشند و از مجرب است که
 شیر زرا گرم کرده و خارشک خرد یک دانگ کهر یا یک دانگ تدرنجین خراسانی پاک نشسته
 پاک کرده داخل نموده و هر راسی سابق بریان پاشیده نبوشند و نیز از محربات است که

بعضی گویند که اگر بزرگ تپ در فرج است

قرص که با شربت انجیر سرشته بشود و تخم خربزه تخم ششخاش سفید داخل کرده باشند
 اوویه که گرم شکم و غیره بکشد بوره ارمنی و برگ شقایق و برگ کبابلی و سیرینجی
 کلونجی با قلماسی مصری و بویاسف که فنی استیمون و لایمی سرکه بپاشند و فلفل
 یعنی پودینه شحم فلفل و مارالطیخ الهندی بعضی شرباب و بعضی ضماد او بجا آورده و کشند آن نقطه

فایده

جدید و در قتل نمودن کرم شکم نیست که صاحب دیدان اول چند روز عادت خوردن
 لذیذ مثل گوشت و غیره کند تا که دیدان هم عادی شود بعد چند روز ناله کند میفرمی از طعام
 لذیذ در دهان داشته مصنع نموده توقف نماید که دیدان برای خوردنش متقاعد شوند
 پس فوراً از دوائی سابق غرضی و سرکه آمیخته بشیر طار قلع مانع بخورند تا که دیدان
 هم غذا کنند و لاک شوند و اندک اعلاصواب

باب الباری الموحده

بیمه ساری سرت انزال دوان او امن و هیچ از ضرر انزال و ترله و غیره سبب لطیف
 یک شقال عاقر قرحا یک شقال فرغون یک شقال انیون مصری ده شقال فلفل سیاه
 بست شقال بذر البیج سفید بست شقال اوویه جدا جدا گرفته تیار سازند و با سبزه چندان
 غسل مصفی بپوشند و یک ماه در جو نگاه دارند خوردن نصف شقال و قوتش تا پنج سال
 باقی میماند بتاوق البر و حر و قه البول بر نافع و قروح کلیه است و عیسبول سفید آید
 در تخم خرفه سیاه و در تخم خطمی و در کثیر او در تخم نشاسته و در تخم رب السوس
 و در تخم خربزه و در تخم مغز تخم خیار پنج در تخم کدو و دانه در تخم بذر البیج و در تخم
 در تخم ششخاش سفید و در تخم گل ارمنی و در تخم شکم کرفس و در تخم غنچه بادام مقشر و در تخم
 بکونید و جوب بقدر خندق سازند و در شربت آن سه در تخم شربت ششخاش پنج و بجزیره که شقال
 تو لعل و او اسیر نماید شایخ گوزن تخم نمودن تخمف و استقاط نایل سیاه و افیض
 بجزیره که جواد برای استقاط نایل مسافر نایل خوب است بجزیره که برای زخمها سفید باشد
 شکر یک تول عاقر قرحا یک توله یا زبونه شارب الفارسته باشد قرفلس یک توله

مسطکونی نیکو فیه یک توله بخور نمایند بخوبی که بر آب تن معین باشد سیه ساله شده باشد حلیت رسا باشد
کوفته بخیته بعل سیرشند و بعد طهر سه روز متوالی بخور سازند و بعد از آن مباشرت نمایند

باب التام الملتشاه

تریاق از صفت محمل برآج غلیظ مصلح کند و طحال نافع برای گزیدن هوام و اخراج فضول
مجتسمه جباریک توله خطی نامی رومی یک توله مرصاف یک توله زراوند طویل یک توله
کوفته بخیته با سه جندان غسل مضمض بقوام ازند خوراک از چهار دانگ تا یک شقال تریاق
که از نضر رسیاب و سم الفار و زنجار و دیگر ادویه سیمیه مازدار و مرکب یک توله آهنتین و می گوی
تخم کرفس یک توله کوفته بخیته و دو شقال آن بایک اوقیه شراب بنوشند و تکلیف نقره
این ترکیب از عنایت فرموده شفیع مکرمی امینی خان و الا نشان مروان علی خان صاحب
بشرط آنکه سایه آدم بر آن نیفتد و وقت کشته شدن نقره را یازده بجای و بصرق لیموی کافور
و ادویه چندی پسند برک بجز و رستی در کهر با گل حکمت کند و آتش پاکدشتی دهند تا دو ساعت
پس کشته شود و طریق گل حکمت معروف است محتاج بشرح نیست و شناخت برگ مذکور آنست
که مانند برگ فلفل سرخ و گل آن خرد میباشد و در دره کوه پیدا میشود و فقط حکمیس طراز خان
موصوف باشد و مذکور باین طور که نسبت و یک مرتبه بصرق لیموی کافوری بجای و داده بود آنکه
سه بار که داخته باشند با آب برگ شال برقی تا دو ساعت ترکیب معلومه آتش دهند و کشته کرده
و شناخت برگ اینک شال برگ دخت کوخار و در زمین نمناک و زمین کوه میباشد و در پنج
برگ گل خور میباشد حکمیس فلفل و از صاحب مدوح بشرط سابق الذکر باین طور
که اول در عرق آله نسبت و یکبار بجای و داده است و یکبار در عرق آن ترداشته و چون
با دو چپند برگ گویا گل حکمت کرده بدستور آتش دهند تا مدت معلوم و شناخت
برگ مذکور آنست که شال برگ انار میباشد و در آب روان پیدا میشود و حکمیس اقلیمی بطریق
معروف اینک ببار و هر قدر که خواهد و آنرا که خسته اول یکبار بجای و آب لیموی کافوری
و یکبار بجای و آب برگ تره بند می و یکبار بجای و آب برگ بنگ دهند و شناخت
بیزه ریزه کرده و چپال تره بند می فرشنش کرده بالای آن پاره پاره ماک گداخته

و مالای آن ریز برای قلعی بخارده آتش زنند و تحمل نمایند تا نوحه چپال و پاره پا ط سوخته شود
 و قلعی کشته گردد پس بر آرد و نگاه دارد و ککلیس قشر معین که اکثر الامراض احتیاج به آن می باشد
 با بنظریق نمایند که قشر برای صیر در آب شیرین بخیسانند تا سه روز تا که قشر رقیق اندوزنی که برشته
 غشیه نماند جدا شود و پس بار دیگر در آب دیگر تا دو روز بخیسانند باز برآورده بدستور عمل حکمت
 خست و تنور یا کنگن اندازند و زمانی توقف سازند که سوخته خاکستر شود و نه خام ماند پس کار بریزند
 قضا کوی کشیدنی که کشیدنی برای صاب آتشک مفیدی است دشنگون یک ماشه
 به چنگری نام یک ماشه افیون خالص یک ماشه کوفته آسیخته و حقه ب آب کشند
 و تا یک سال از دال موزک پرینز نمایند فقط

باب الثمار المثلثة

شما در سیطوس اوجاع کبد و معده و طحال و کلیه و امراض محصبات نافع باشد و انواع
 سوی مزاج بار در طب را مفید نیست و اخلاط فاسد را پاک کننده رنگ روی را نیکو
 گرداننده و سقوی طری با نژاده درم نار یقون بشرط معلوم است درم زعفران سه درم دانه
 سه درم و ج سه درم مصطکی سه درم و روغن بلسان سه درم ریوند چندی یک مثقال
 عود بلسان دو درم نشیون دو درم فلفل سفید دو درم فلفل سیاه دو درم دار فلفل دو درم
 هر یکی دو درم منطیا نامی شش درم قشاح اذخر دو درم بلسان دو درم حمامو دو درم
 کماز دیوس چهار درم قسط شیرین چهار درم شیمون ولایتی چهار درم اسارون شش مثقال
 سیلخه شش مثقال سقمونیای مشومی شش مثقال سنبل لطیف درم او دو کوفه بخت
 با بچندان روغن بلسان و دو صندان عمل مصفی بپوشند و کار بریزند و قوت این باجماع
 سال باقی بماند قدر شربت حسب مرض موافق این طبعیت

باب البیم

جوارش فواکه معده و جگر را قوت دهد و قی باز دارد و دفع خمار کند و باه را بگنزد و شیمون
 کند از موی رساله آب انار ترش یک چمچانک آب انار شیرین یک چمچانک آب
 یک چمچانک آب سیب یک چمچانک آب لیمو و یک چمچانک آب زرشک یک چمچانک

آب ساق یک چشمانک آب لیمونی کاغذی یک چشمانک بچوشاند بعد سبزل لطیف چهارم
 دارچینی چهار ماشه پوست بیرون بسته شده ماشه مغز حلزون چهار توله مغز بادام شیرین چهار توله
 عود غرقه چهار ماشه کشنیز خشک شش باشد آمله منقش منقش یک چشمانک کوفته بخت با آبهای
 مذکور برشته صبح قند سفید بقوام آورده بدستور جوارش سازند وقت تیار می زعفران
 تخم چهار ماشه عرق کیوی ساینده افزوده در ظرف حبیبی یا سفال نگا دارند و بکار برند
 شربت از دو توله با چهار توله جوارش عود ترش مقدوی مغز از معمولات مطب عود غرقه
 شش درم قلعین و دو درم پوست ترنج چهار درم مصطکی رومی سه درم غمخ گل سرخ
 شش درم صندل سفید شش درم دارچینی و دو درم نعناع خشک سه درم تخم فرفه خشک چهار درم
 فلفل موله چهار درم طباشیر کبود شش درم زنجبیل و دو درم کشنیز خشک شش درم کوفته
 بخت آب لیمونی کاغذی نسبت و چهار عدد شربت انارین یک نیم با و گلاب خالص سه پاؤ
 بنات سفید سه پاؤ بقوام آورده ادویه افزوده بدستور جوارش سازند و بکار برند جوارش
 قابض مقدوی مغز که اگر در حی نیز استعمال نمایند مضائقه ندارد آب انار ترش نیم پاؤ
 آب انار شیرین نیم پاؤ آمله مربی پنج توله مرابی سیب پنج توله مرابی به پنج توله آب لیمونی
 کاغذی پنج توله و گلاب خالص پنج توله و عرق کیوی پنج توله ساینده با قند سفید
 حسب حاجت بقوام آورده صندل سفید هفت ماشه طباشیر کبود هفت ماشه زرشک بهمان
 هفت ماشه آمله منقش منقش هفت ماشه پوست بیرون بسته هفت ماشه زهر مره هفت ماشه
 کل سرخ هفت ماشه کوفته بخت افزوده بدستور جوارش سازند جوارش مقدوی مغز سفید
 برای کسی که حرارت فرمیده داشته باشد آب انار منقش نیم پاؤ آب انار شیرین نیم پاؤ و مرابی
 آمله یک چشمانک مرابی سیب یک چشمانک مرابی یک چشمانک مرابی ناشپاتی
 یک چشمانک عرق گاو زبان ساینده قند سفید یک و نیم پاؤ با شکر سفید بقوام آورده
 صندل سفید یک توله طباشیر کبود یک توله زهر و محرق یک توله با قوت ربانی شش با تخم مره و ادویه
 محلول شش ماشه شیب بنبرند ماشه در عرق گاو زبان ساینده اضافه نموده کل فلفل و شکر
 کل سیونی شش ماشه گلوی نیب دو ماشه تخم خیار و لانیقی سه توله تخم کاسنی سه توله

تخم بالک دو تولہ تخم بیض یک تولہ تخم خرفه سیاه یک تولہ آملہ مقشر منقح کینو که شیر خشک
 یک تولہ کوفته بختہ و قوام نکور را بمخته ورق انقره نه ماشه ورق طلا شش ماشه حلو کرده بدستور
 جوارش سازند اینضا سهل صفر معمولی عود خام سه و نیم ماشه مصطکی رومی سه و نیم ماشه
 ترب سفید محجوف خراشید چهارده ماشه سقمونیای شوی چهارده ماشه کوفته بختہ باسته
 چندان غسل مصطفی بسبب شربت از نصف درم تا یکدرم طریق شوی نمودن
 سقمونیاییکه سیب یا امرویه انار را محجوف نموده سقمونیایران پر کرده کل حکمت نموده
 در تنور یا گلیج اندازند و بروقت معین برآرند و بکار برند چو هر محصره که جدا مجید حقیر برآ
 ساه جی صاحب تیار فرمودند و نفع کلی بخشید یا قوت ربانی دو تولہ زمر و سبز شش ماشه
 زبرجد نه ماشه فیروزج نیشاپوری یک تولہ لب احمر یک تولہ کبریا سه شمع دو تولہ
 مروارید ناسته سه تولہ طباشیر کبود دو تولہ غیر اشب نه ماشه مشک خاص شش ماشه سیاهی
 شش ماشه در عرق کبوتر یک چھٹانک حائین ورق انقره یک تولہ ورق طلا نه ماشه
 انداخته نموده خوب حلو کرده بدستور جوار هر محصره سازند مفت دار خوراک حب طلیب

فناک

فرق در معجون و جوارش و نوشدار و در شربت آنست که قوام معجون غلیظ تر میباشد و قوام
 جوارش از آن رقیق و نوشدار و متوسطه و شربت از همه رقیق

باب الحبار الخالیه

حب ایارج و ایارج فقیر ادا مانع از این مضامین پاک سازه و امراض بار و شل صرع
 و سکت و فالج و قوه و استرخا و امراض عین که از برودت و رطوبت باشد مفید آید حب
 ایارج ایارج فقیر استه ماشه ترب سفید محجوف خراشید سه ماشه بروغن بادام شیرین
 سه ماشه حرب نموده حب النیل دو ماشه اینسون ده و نیم ماشه نک هندی چهار سرخ
 شخم خطلی چهار سرخ نیم کوفته باب راز یا نه حب سازند مقدار خوراک از شش ماشه تانه
 باشد ایارج فقیر اسهل طبیب چهار ماشه سلیخه چهار ماشه مصطکی چهار ماشه واری
 چهار ماشه ایارج چهار ماشه زعفران چهار ماشه مقل ازرق چهار ماشه نیم کلسه چهار ماشه سقمونی

چهارم کوفه بخته سفوف سازند تخمیه نسخه ایارج فیرادریاب الالف سحر بر نشد زیرا که
 حب ایارج خیزان ایارج فیرا است لذ اکل یا جز یکی نموده شد تا که معالج را قوت مجتو نشود
 باید و است که اگر تخمیه حب ایارج منظور باشد او را تخمیه عام کنند حسب حاجت بعد حب
 ایارج دهند یا بطور که دو گهری شب باقیمانده خوب بقدر احتیاج بلع کنند علی الصبح
 بدرقه مناسبه حال دهند و افراط فزیاده تخمیه حب ایارج موقوف بر ای طبیعت نگارند نسخه کم
 کنند که دستور اکثر اطباء می نماید بر همین است و الله اعلم بالصواب حب مسهل که خطاط
 را بر می آرد و ریوند چغنی سه ماشه سنار یکی چهار ماشه کفند آفتابی یک توله با هم مخلوط سازند
 و بلع نمایند و عرق غناب نیم گرم برای اعانت بنوشند حب سحر خجانه که بهر
 در و وجع مفاصل امفید افتد بلکه کل اوجاع بلغمی را مفید افتد صبر سطرطری چهار نیم ماشه
 شرب پیغیه همچون خراشیده چهار و نیم ماشه سحر خجانه شیرین چهار و نیم ماشه کثیر چهار و نیم ماشه
 ماسی زهره سه و نیم ماشه حب انیس یکی و نیم ماشه غار یقون پس سفید یک نیم ماشه پاد بالا
 ششم غناب چهار و نیم سرخ کوفه بخته باب کر فس حب سازند مقدار خوراک از شش ماشه
 نایک توله حب مسهل بلبل که اسهال صفر اکثر نماید از مولف رساله پوست بلبله زرد
 چهار و نیم ماشه پوست بلبله کابل چهار و نیم ماشه بلبله سیاه چهار و نیم ماشه سنار یکی چهار و نیم
 ماشه غناب یکی سرخ دو ماشه پاد بالا با یک سوده روغن بادام شیرین نه ماشه حب نموده
 سوزنی منقی اضافه کرده صمغ عربی دو ماشه تمک لاهوری سه ماشه کوفه آمیخته خوب بقدر
 خود سازند مقدار خوراک نه ماشه چهار گهری شب باقیمانده همراه عرق غناب نیم گرم و عرق
 معلوم برای اعانت بنوشند ایضا حب بلبله مخصوص برای امراض سوداویه پوست
 بلبله زرد یک ماشه پوست بلبله کابل یک ماشه پوست بلبله یک ماشه آمله منقش منقی
 یک ماشه سنار یکی پنج سرخ لاهور و منقول یک ماشه بسفایج منقش یکی ماشه فترین
 و اباقی چهار و نیم سرخ کثیر چهار و نیم سرخ غار یقون پس سفید سوسیه نیک کوفه بخته روغن بادام
 شیرین یک توله حب نموده بنویز منقی شسته خوب بقدر خود بستر چهار گهری شب باقی مانده
 همراه عرق کاو زبان نیم گرم بلع نمایند جلد یک خوراک است حب بنفشه که اسهال آورده

سحر خجانه
 شرب پیغیه
 کثیر چهار و نیم
 کثیر چهار و نیم
 کثیر چهار و نیم

از رطوبت و پاک گردانند تا خواسته و نیم باشد زیره کوفته و نیم باشد گرد با سبزه و نیم باشد
 انیسون سه و نیم باشد فلفل سیاه سه و نیم باشد نمک لاهوری سه و نیم باشد مصلک روحی ده و نیم
 کل نهند که کشمیری ده و نیم باشد کوفته بنجته با عرق غلب اشغال سرشته حب سازند از خود و بنزد گستر
 و جمله یک خوراک است با عرق غلب اشغال یک گرم یا اگر کم حب ترید سه میل باقی و امر ارض
 باقی را مضیقه تر بد سفید بشوید تا معلوم چهارده باشد و نجیب چهار و نیم باشد مصلک چهار و نیم
 رویند چینی چهارده باشد غدا و قیون نصف است معلوم چهارده باشد شش خنظل یک و نیم
 باشد کوفته بنجته باب با دیان سرشته خوب بقدر خود سازند که شربت بر آن مصلک سیاه

6

بادیکه اوجیه سوله وجوب و منقوش سوله بسیار بار یک نیکند که قوت آنها از قوت قوت
 و بقدر مطلوب اسهل نیکند لهذا باید که جوشش یعنی نه بسیار بار یک نه بسیار گشت بلکه
 متوسط که بند می در آگویند داشتن مناسب است تا که در معده زودتر عمل نیشود و اخراج
 ماده بخوبی نماید قطعا حب و اربا می سر فو تب و تله و زکام رخ عربی یک باشد
 رب اسوس یک باشد شکرتیال یک باشد کثیر ایک باشد نشاسته یک باشد مفر
 تخم کدوی شیرین یک باشد مفر بهدانه و و باشد مفر تر زرد باشد مفر تخم خیارین
 مفر بادام شیرین چهار باشد شش سفید و و باشد گل نقشه یک باشد اسل اسوس
 یک باشد گا و زبان گیلانی یک باشد تخم خللی یک باشد غناب سده وانه جد وانه
 تخم خیار می دو باشد زعفران یک باشد سیون یک باشد کوفته بخیه بلعاب بهدانه
 جوب بقدر خود نند یک حب صبح و یک شام قبل غذا به طفل و جوان حسب مرض و طقت
 حکم اعمال فرماید اقضا بنوع دیگر موز بو ایک باشد پوست بلبله و دیک باشد پوست
 بلبله کابلی یک باشد پوست بلبله یک باشد مفر و بادام شیرین یک باشد مفر استیک یک باشد
 طماشیکو دیک باشد گل سیوتی آله مفر منقی یک باشد مفر تخم کدوی یک باشد مفر تخم قرین
 مفر تخم مکه یک باشد شش سفید یک باشد کوفته بخیه بهدانه وانه سله باشد زعفران یک باشد
 یک کوفته بخیه و برق طما و عدد و ورق نقره است عدد افزوده جوب سازند و بکار برند

حب سرخه که بسیار شدید باشد صمغ عربی و دانه ماشه تر مس و دانه ماشه زرد آب لیمو و دانه ماشه
 شکری خیال و دانه ماشه کتیره و دانه ماشه نشاسته و دانه ماشه گل بنفشه و دانه ماشه تخم خطمی و دانه ماشه گاو زبان
 گیلانی و دانه ماشه اصل لیمو و دانه ماشه ششماش سفید و دانه ماشه مغز تخم که درسته دانه ماشه مغز تخم
 تر و دانه ماشه مغز تخم خیارین سه دانه ماشه عجب بهفت عدد و بلبله ریخته سه عدد و کوبن ریخته
 ده عدد و بیدانه و دانه ماشه سرطان محرق شش دانه ماشه کوفته بخیه بلعاب بیدانه سرشته خوب
 بقدر تخم سازند حب معمولی سه صمغ عربی سه ورم نشاسته سه ورم کتیرا سه ورم
 مغز بیدانه سه ورم مغز تخم که در سه ورم مغز تخم خیارین و ورم مغز تخم بادام شیرین چهار ورم
 خشخاش سفید چهار ورم شکری طرز بهفت ورم فانی بهفت ورم کوفته بلعاب بیدانه
 حب سازند حب سرخه معمولی برای طحال که کثیر السعال باشند که راسته دانه ماشه نشاسته
 سه دانه ماشه صمغ عربی سه دانه ماشه رب لیمو سه دانه ماشه شکری سه دانه ماشه خشخاش سفید
 سه دانه ماشه افیون سه دانه ماشه مغز بادام شیرین سه عدد کوفته بخیه بلعاب بیدانه بقدر کفایت
 سرشته خوب بقدر تخم سازند و از یک تا دو حب بدینند بدو وقت حب و دیگر که
 برای ضیق انفس بلغمی مجرب است و نقل سه دانه ماشه کباب سه دانه ماشه عاقر قرحا سه دانه ماشه افیون
 سه دانه ماشه نبات سفید سه دانه ماشه کوفته بخیه بشبه خالص بقدر موافق سرشته خوب بقدر تخم
 سازند از یک تا دو حب بخورند حب سرخ بادا و اصل سرخ و دانه ماشه برگ نیب
 و دانه ماشه نیل که طی سه دانه ماشه فلفل سیاه سه دانه ماشه سرخه که سه دانه ماشه و دانه ماشه برقم نهی
 و دانه ماشه برگ بکاین و دانه ماشه قصب الزیره و دانه ماشه حنظل و دانه ماشه زرا بیدانه سه دانه ماشه
 شمشیر سه دانه ماشه برگ خاسه دانه ماشه منڈی و دانه ماشه چمال کچال و دانه ماشه پوست بلبله زرد
 و دانه ماشه بلبله سیاه و دانه ماشه پوست بلبله کالی چهار دانه ماشه آله مقشر منقی سه دانه ماشه پوست بلبله
 و دانه ماشه مغز بنوله و دانه ماشه مغز کاین و دانه ماشه شنبه و دانه ماشه در آب عجب لثعلب بنر و توله
 سایه و آب برگ نیب و توله آب برگ شفا لوبک توله اصنافه نموده خوب بقدر فلفل
 سازند و در سایه خشک سازند و حب مرض بدیند ایضا معمولی برای طحال مجرب است
 سه دانه ماشه برگ نیب و دانه ماشه فلفل سیاه و دانه ماشه سرخه که سه دانه ماشه

و نهان است باشد بر دم و نڈمی سه باشد نیکو نڈمی سه باشد برگ بکاین سه باشد مقصب بالوزیر سه باشد
 حفص مندی سه باشد قسم اول کوفته بخجته آب برگ نینب سه توله سرشته خوب ساخته
 یک حب صیغ و یک شام بطل بر بند ایضا معمولی شایسته سه باشد صندل سفید سه باشد
 صندل سرخ سه باشد سرچوکه سه باشد منڈمی سه باشد چمال کچال سه باشد چراته سه باشد
 بر نڈمی سه باشد و بهما سه باشد برگ خا سه باشد حفص مندی سه باشد در آب برگ شفا
 سه توله آب عنب اشلب بنزد و توله آب برگ نینب یک توله حله و خوب بقدر نخود و نند
 یک حب صیغ بشیر خضبه و هند حب الشفا که اگر بقتادین پیون هند کار افیون کنیز
 سه باشد ریون چینی شش باشد تخم خود مثل سه باشد کوفته بخجته با و چپ اندان عمل مصفیه
 بقوام آورده سرشته بقوام معجون آفوده و بهما شل نخود و بزرگ سازه قدر شربت یک
 حب چار و اربال افیون و قوی باه از مجربات است از طب علوی خان صاحب
 افیون و نیم توله جد و از خطانی یک توله کوفته و نه چیل متوسط جوت کرده بر نموده و خمیر گرفته
 با ده امان شیر خالص بچو شانده تمام جذب شود و بحد سوخت شدن سپید اندان همین بخت
 و در غن گا و بر نند که روغن بالای آن برسد تا که سرخ شود بعد از آن بر آورده خمیر دور خست
 پوست سیاه آن باریک تر اشیده و ناز چیل را مع اجزا خوب باریک سائیده و تکیه مثل
 مرهم شو خوب بقدر چهار و نیم سه باشد سازه قدر شربت یک حب طحال یعنی حب
 مردم طحال را بچیل بر آب لیمون کاغذی با و آتش شوی قلمی چهار توله شوی را و آب
 لیمون انداخته و آفتاب نگاهدارند یک پاس یا دو پاس تا آنکه خر مهره اگر در آن اندازند آب شود
 پس برگ چاه و سه توله باریک سوده چوک سه توله اضاده نموده خوب مخلوط کرده بپوش خوب
 سائیده و قدر حب شش باشد قدر شربت یک حب قبل طعام صیغ و یک حب وقت خواب
 حب ابو اسیر یک فلفل گوشتی فلفل دراز یک توله جو الک سه توله و زارا و انتر
 چهار توله کوفته بنیمه خوب بقدر یک سه باشد طیار ساخته یک حب هر روز فروزند ایضا
 شکر بنوا یک سه باشد حفص مندی یک سه باشد قلع ازرق یک نیم سه باشد باریک سائید آب
 گندم یا بر روز سباده با شفته حب ابو اسیر که حبس خون کند و خمر بنوا شش

مغز بکاشن شش باشد حنض بندی شش باشد لکرونه اشش باشد حب الاس شش باشد
 باب لکرونه اساید حبوب بقدر نخود سازند و یک ماشه شام بلعاب اسفول منجور باشد
 حب بوا سیر حبت خونی و باد می محرب است جو اهریک دام در روغن ماده گاو نه باشد
 بریان نموده کوفته قند سیاه یکد ام آمیخته حب بسته بوقت خواب فرو برد جمله یک شربت
 است حب بوا سیر که اگر خون بوا سیر بند شدن باشد ازین حب جاری گردد و محرب است
 حنض بندی یک ماشه بلید سیاه یک ماشه پوست بلید کبابی یک ماشه متقل ازرق
 یک ماشه ریوند چینی یک ماشه کتیر ایک ماشه مغز بکاشن نیم ماشه مغز بکاشن یک ماشه
 سبوس اسفول سه ماشه سوامی سبوس یک ریگ ساید باک گندم حب زرد و زرد
 مجموع شانزده عدد حبوب سازند و یک حب بروغن بادام شیرین بقاصد یک یک اند
 استعمال نمایند و در روز خالی لعاب اسفول نه ماشه آب خالص سه چنانک شربت
 نیلوفر و توله باقی مخلوط نموده بنوشند بدو نیکو اگر گل نگیرد سه شقال شب در آب تازه
 بچسباند و صبح شش بجای آن دو آید و بچسباند تا بطل روز بهین طور نوشته و حب خون بوا سیر
 و آرد و بکاشن و بکاشن است حب برای اهدا مال طهاران محرب است بوجرس یکد ام
 بگلری یکد ام مغز خسته نه یکد ام جو بوا شش ماشه افیون دو ماشه کوفته آمیخته عرق
 بارتنگ ب سازند بقدر غوراک دو ماشه شش ماشه حب سیر برای رم معمولی
 شب یازده بیان دو دام افیون یکد ام حنض بندی چهار دام برگ نیل پنج عدد غنجران
 پنج صرغ بریا یک ساید در کر اسی آهینی قدری قدری آب داخل نموده بدست
 آهینی خوب کهرل نمایند بعد از آن بر آتش گذارند تا آب او جذب شود و لایق بن
 صبا گردانند و آن حب بسته نگاه دارند و در آب برگ بکاشن ساید بکارند حب
 آتشک مسهل محرب ککل یک توله حنض یک توله مغز جال گوشتیک توله کوفته یک
 نموده بقند سیاه آمیخته ازین همه حب بسته یک بجره عرق غنص لقلب بیکرم
 بلع نامیده وقت تشنگی عرق مذکور بیکرم بنوشند غذا طعمی مونک کم روغن
 حب آتشک بجز البنج و ونیم درم اجود و ونیم درم ناتخواه و ونیم درم جملانه

کلاه دور کرده و در نیم درم سیاه و نیم درم کشنده سیاه و نیم درم او و یک کوفته بنفشه سیاه
 علی بن کسرل ساخته و رفته سیاه کهنه نیم با و اینهمه از ویه افتاده خوب مقدار کنار چکنی
 سازند و یک حب هر روز فرو برند ایضا بنفشه عجب الاثر است بلبله سیاه بکثرت
 تو نای بریان شمشاد بلغم سوخته شش باشد حب اسطوخودس عدد و یکصد و سبب
 لیون کافوری که آب آنها گرفته باشند کسرل نمایند و نقد کنار دشتی حب بندند و
 یک حب هر روز با برگ تمبول بکشد بخورند ایضا و وارنگ دو ماشه برگ پان بکشد
 هفت عدد و بخورند کلاه کوفته عدد و سیاه کهنه سه قول با هم اینهمه حب است یک
 حب صباغ با عرق عنب الثعلب بیکم بلغ نمایند وقت تشنگی عرق عنب الثعلب بکشند
 غذا دل باشد متشرب باشد ایضا محمول بعد بنفشه و نقد شکر شمشاد تو نای
 شمشاد سه گانه چکنی شمشاد بنفشه سبب چکنی عدد و یک حب از اجزاء و طرف آبنوی آبنوی
 تا درازده ماس صلا یمنوده مقدار خود حب سازند یک حب بهم و یک حب شام
 بخورند حب آشک سیاه یک نانک اجوائن خراسانی یک بلبله صلا نوده کلاه
 دور کرده یک بلبله قند سیاه و دو بلبله ایتمه از ویه سیاه کسرل نمایند و از
 ماس یا در نمون آبنوی بعد از آن چهار نوده گوی بند یک گوی صبح و یک گوی شام
 همراه جرات بنوشند و اگر دهن آید از پنج کنار دشتی غرغره سازند لیکن از غریب کم مایه
 و پنج آنه از امیر بکر و سه چهار آنه گرفتن شرط است حب نافع برای نار فاسی و روح
 صفی حاصل که سیب آن ماده سودا و می باشد حب اسطوخودس عدد و درار سنگ باشد
 کوفته و رفته سیاه کهنه یک قول سرشته حب بند یک صبح بلغ نمایند و ناله کنند که
 بر دهن گاه و چرب نموده باشند عقب آن بخورند وقت تشنگی آب تازه بنوشند
 و سببهای رنگارنگ اجابت خواهد شد هر گاه اجابت بزرگ نفع نباشد از آب برنج
 که در آب و دهن کافور نیم درم با کرده باشند بخورند تا سه روز بمهرن عمل نمایند حب نیم درم
 الاثر است بلبله سیاه بکثرت بنفشه شمشاد حب از نار شش باشد حب اسطوخودس
 سه عدد که سبزی اندوز آن دور کرده باشند در آب بکشد و سبب لیون کافوری کسرل

اوله قدر کنار دشتی حب سازند و یک حب هر روز بزرگ پان بکله بخورند حب اوله سلاطین
 که سبزی اندرون آن دو کرده باشند در آنکه نقشه منقی گل حکمت کرده بزبان سبزی
 بر آورده نمایند حب سازند و بقدر تحمل مزاج بدیند فقط حب همسک یعنی همساک
 می نماید پنج سوکران سه شقال بذرا بلع سفید سه شقال کوفته بخته بمویز منقی خندوانه
 شسته در آب بخورند تا جذب شود پس خوب ساخته بقدر خود بزرگ یا زیاد حب
 تحمل مزاج بلع نماید حب همسک جفت بلوط دو ماشه و دوسرخ لبان ذکر و ماشه
 و دوسرخ بزرگ آفتاب ماشه و دوسرخ مصطک روحی سه و نیم ماشه کوفته بهار روزن اودی
 غسل مصفی شسته خوب بمقدار چهار و نیم ماشه سازند و یک حب دوساعت قبل از جماع
 بخورند حب همسک دانه تهر میندی یک چشمانک چهار روز در آب نجیساند پس بپوش
 و در کرده مغز باد و چندان قند سفید کوبیده و تخم کرفس یک توله آمیخته خوب مانند خود
 سازند و بمقدار موافق و وقتیکه آب لیمون خورند اسهال دور شود و ایضا همسک
 حکیم صاحب که به اکثر اشخاص عنایت فرمودند سبوس اسفول و توله در ظرف چینی
 یا شیشه نگاه داشته شیر بر گردان اندازند بعد یک گشت شیر بالایی از سبوس
 شود پس آن را در سایه خشک کنند و با هم مخلوط سازند و خورا بقدر احتیاج طبعین خسته
 آنرا در کرده گرد اسفول مبلول سابق الذکر اندران بر ساخته از بار چاشنی بزرگ کرده
 شش عدد یا پنج عدد یا زیاد موافق خواهش در یک آنرا شیر گا و خالص بخورند تا شاک
 بماند بخت و توله شهد خالص یا نبات سفید آمیخته شیر نبوشند و خورا هم بخورند قبل و بعد
 از جماع اسهال آورد فقط حب با خشم و مقوی صحت و برای هم در المزاج
 طافع بلبله سیاه یک چشمانک به دست بلبله کابل یک چشمانک پوست بلبله نزدیک چشمانک
 پوست بلبله یک چشمانک آنکه آنکه نقشه منقی یک چشمانک پوست بلبله یک چشمانک پوست بلبله یک چشمانک
 و توله زرشک بیدانه چشمانک اگر سوازی یک چشمانک اگر سوازی یک چشمانک اگر سوازی یک چشمانک
 یک چشمانک کشمش خشک یک چشمانک اگر سوازی یک چشمانک اگر سوازی یک چشمانک اگر سوازی یک چشمانک
 را تکه کوفته و خورند در آب آنرا ترش و توله آب انار شیرینی و توله آب لیمون خندی و توله انیسون

صافی نموده اوویه نموده بالا درین آبها نجیاسته و در سایه خشک کنند تا قریب قابلیت بستن چنان
رسد در آنوقت نمک لاهوری و نمک سیاه شش حصه اوویه بار یک ساید آید آمیخته بدستور جو سازند و خوراک
یک شش بعد طعام از اینها با خمیر سبیل لطیف بهفت داشته سد کوفی پنج داشته نفع خشک شش باشد
حلیت باشد زرشک بیدانه یک توله فضل سیاه پنج داشته دار فضل پنج داشته زیره کرمانی
بهفت داشته آبله قشقرقی نه داشته پوست بلبله کابلی بهفت داشته گل سرخ سه داشته طباشیر کبود
سه داشته نمک لاهوری شش داشته نمک سیاه شش داشته نمک خمر شش داشته پوست برون پسته و دانه
در سر انگوری و آب لیون کاغذی بطریق معهود حسب سازند و بقدر مناسب بکار بر زنند و اینها
محرر براده صندل سفید نه داشته پوست ترنج نه داشته نفع خشک شش باشد باقی باشد
خولجان نه داشته سافج هندی نه داشته سبیل لطیف داشته سبیل رومی نه داشته تخم کرکس
نه داشته گل سرخ نه داشته کشنیر خشک یک توله خود غرق یک توله زیره سیاه نه داشته آبله قشقرقی
دو توله بلبله سیاه دو توله پوست بلبله دو توله عاقر قرچانه داشته زرباد نه داشته پوست بیدانه
دو توله سعد کوفی دو توله اوویه بار یک ساید یک شب و روز در آب زلال تمر نهانی
غرق نفع نیم پاد سرکه خالص نیم پاد آب انار شیرین یک پاد نجیاسته بار دیگر جوش
داوه آب آنرا بکیزند و انار و آنه ترش نه داشته زرد شش داشته که در معاق یک باشد
نجیب میل هندی دو توله نمک سانبهر دو توله نمک سیاه یک توله نمک لاهوری دو توله
نمک ترب یک توله نمک خود یک توله پوست اعل سید یک توله اوویه کوفه شش داشته
نفع سکرده طباشیر کبود یک توله معطل رومی نه داشته دانه میل یک توله
یک توله زرشک بیدانه یک توله نهند زده بدستور حسب سازند فقط سه
مقوی و مانع و ملین سبوس سه درم شش آب نجیاسته و جمع دره شش واده شش
نمونه بچنین خراسانی و دانه درم حلو و بار صافی نموده مقدار دانه شیرین چهار درم تخم کدو و درم
خشک شیر خمد و درم بگللاب خالص شش درم نرم نموده داخل کرده باقی نرم بنزد تامل حریقه
پس بدستور بکار داده بگرم بنوشند از اینها نشاسته شش شش شش شش شش شش شش شش شش شش
شش شش شش رزغن گاو و درم شیر و دانه شیرین چهار داشته نبات سفید و درم و تخم کدو

گرم نمود و نشانی بریان کند بعد آن شیر جات انداخته جوش دهند تا اندک اندک جذب
 شود پس بدستور حریره سازند و بکار بندند ایضا مقوی مهبی دال باش متقشر بر این نش
 و شیر گا و دو توله سائیده در روغن زرد گاو بریان سازند و قلیکه سرخ شود شیر مغز نادم
 شیرین سینه ماشه شیر مغز چلغوزه شش ماشه شیر مغز فندق شش ماشه و شیر گا و گریخته
 نبات سفید نه ماشه اضافه نموده بدستور حریره سازند وقت تیاری عرق کیو ره کتله
 اضافه نموده بنوشند ایضا سیون گندم ماشه حب لفظن چهار ماشه گل نشسته پاپاشه شیر خام و غلظت را
 شب در آب گرم یک پا و بخیسانیده صبح جوش داده صافی نموده شیر و خنکاش سفید نش
 بشیره مغز تخم کدو نه ماشه شیر مغز تخم تر بنه نه ماشه شیر مغز ادم شیرین چهار
 نبات سفید سه توله اضافه نموده از روغن زرد گاو نه ماشه بگهار داده بدستور حریره
 سازند و نیم گرم بنوشند حملوای خوب چینی که اکثر امراض مثل فساد خون و فساد
 سهو تین و غیره را نافع آرد گندم سنی توله آرد و تخم و بست توله بر روغن گا و بریان
 چهار توله نبات سفید پنج توله گلاب خالص معرق بید ساده حلو کرده در این اخل نموده
 بر آتش ملائیم بزند چون نر حلو شود و در چینی یک توله مصطکی برومی یک توله شقایق و
 یکتله بهمن هر یک یک توله بهمن سفید یک توله زرد ابناء یکتله بسیار بکتوله اندک بکتوله نافع
 کبار یک توله خولجان یک توله بوز بدان یک توله خیمه اشلب یک توله خوب چینی
 قسم علی چهار توله سور بخان شیرین یک توله تخمیل یک توله زعفران هفت ماشه کوفته پخته
 مغز پسته هشت توله قرا و ادم شیرین و توله نارسیل تازه و دو توله قرقندق و دو توله مغز چلغوزه
 دو توله حل زده چهار سازند و بر آرد دو توله چغندر و توله شام حملوای برای درم رحم که
 عسر الریایه و حب الزریره شش ماشه ققاح او خوش شش ماشه تخم شسته و پخته شش ماشه
 ماشه شش ماشه جاد شیر شش ماشه حلبه شش ماشه میوه سائیده شش ماشه سبزه شش
 ابر ساشش ماشه فستقین و شش ماشه کوفته پنجه آب بزرگ سبزه او و توله آیت بر نعلی
 دو توله سرشته پیوطیکله یکتله یکتله اضافه نموده پنبه عقیق و مقراض افشوده
 بطنه بن خسته خرماساخته بدستور حمل سازند فقط حمل که استعاط حمل کند

آب برگ کویلا زیره گا و در مارچه کبود و تر کرده حمل سازند و اگر خواهند باد شیر اضافت نمایند
 ایضا تخم خنظل برگ سد آب غشاع خشک زدا باد فوة الصنغ کوفته بخفته به بستر برگ خنظل
 مخلوط نموده حمل سازند ایضا القوی نوشاد رسوده و درم اشق و درم اشق و در آب
 حل کرده نوشاد و در آن بشیند و شیان سازند سه عدد و یکی بازان گشت و درم من چشم و در
 تمام شب دارند بخسند اسقاط کند ایضا پلید از کافور بافت به فم رسم سازند خاصه اگر
 این پلید را آب خنظل و طبع و در غایب زهره گا و آلوده باشند ایضا تخم سرافو اسبند
 خوردن و بر روغن بلیان بر دشتن بچه بیگند ایضا انگر و زو بار زو
 بنجور مرسم محرب ست و گفته اند که اگر زن حامله بایستی بر بخور مرسم کند از و بچه بیگند فقط

تاع

چون خواهند که اسقاط حمل کنند نخستین در حمام بروند و شکم را بروغن بید انجیر یا کنجد بچرخند
 خوب بمالند و شور بار چرب خورانشند و از قوا بضات و حوالیسات شدید منع فرمایند
 که استقبال کنند بعد آن مسقطات بکار برند فقط الانشاید این فعل که مواضع و از خدا و رسول
 خواهد شد هم طیب هم زن بمصداق انکه الداشی المشرقی کلیمانی ان نقطه

باب التجار المجمع

خضاب که موسی سفید را سیاه کند از وی بنجر خرد یک چشمانک و در یک گرم بطوطه
 بزبان نمایند که خام مانند و نه خاکستر شود پس بپزاید و آهن در کراپی آهنی سه روز در آب
 که پوست بلیه زرد و در آن جوشانید باشند که حل نموده خوب بطرز زرد و بند و نگاهدارند
 عند الحاجة ساینج بکار برند ایضا سرکه انگوری سی و پنج شقال و شیر گاو هموزنش هم
 بجوشانند تا قریب بافقار رسد پس سرکه کنند پوست انار شتی شقال آله متشقی شتی
 شقال بلیه سیاه شتی شقال کوفته بخفته اضافت نمایند و شیشه کرده ناسته ماه و سه کین است
 است بپزین بر آورده مور آب لیمون شسته خضاب کنند ایضا محرب بلیه سیاه برگ
 پنج شقال شیره نیشکر سیاه یک انار بچنگره سیاه سه شقال رشیه نیاف و پنج شقال رشیه
 انار شست و درم اجزا کوفته و در ظرف آهنی کنند و در سر کین اسپ و فم کنند و بعد

بعد از آنکه برادر دهنه خناب کنند لیکن هیچ قدری در دهان بر انداخته و نگاه کنند و بنگاه بر پنج سیاه شود و بگوید
قول قال صاحب السدید فی الاشی فی الخناب افضل من الوسمه بتقدیم هیچ الحنا یعنی خناب
 بهتر از وسمه است بشرطیکه اول مو را از خناب صیقل داده باشند حمیر و گاوزبان بر آید
 امراض دماغی و تقویت قلب مفید است گاوزبان دو توله گاوزبان گیلانی سه توله مادر بخوبی
 دو توله ابریشم خام دو توله تخم بالنگو چهار توله زاج صد سفید سه توله در گلاب خالص سیاه
 صبح جو شایخ تا موفقی خربسباز بعد از آن تمه سفید پاؤ آمار بقوام آورده اضافه نموده
 بدستور خیره سازند بعد تیار می مشک خالص سه ماشه عنبر اشب و ماشه مروارید نافه
 یک توله بعرق کیوڑه ساینده اضافه نموده در ظرف چینی یا شیشه نگاهدارند **البيض**
 گاوزبان گیلانی چهار توله گل نیلوفر چهار توله مادر بخوبی چهار توله کشنیر خشک چهار توله
 ابریشم خام مقرض چهار توله تخم فرفر خشک لایسته چهار توله تخم بالنگو چهار توله سفید
 چهار توله عنبر اشب چهار ماشه مشک خالص دو ماشه محل خالص چهار توله نبات سپید پاؤ آمار
 ورق طلا شش ماشه ورق نقره چهار توله عرق گاوزبان یک آمار گلاب خالص
 یک آمار عرق بدیشک پاؤ آمار بقوام آید

باب الدال المهمله

و یا قوی نافع سعال اصل السوس است درم کوکب رطلان است عدد تخم خطمی پنج درم
 تخم خبازی پنج درم تخم خیارین پنج درم در آب باران یا آب گنگ بخیا تدقیق
 پیر بخوبی تا نصف ماند پس مالین صافی نموده لعاب بدهانه پنج درم لعاب اسفول
 دو درم با نبات سفید بقوام آورده بدستور لعوق سازند بعد تیار می صمغ عربی پنج درم
 و کثیر پنج درم نشاسته پنج درم رب السوس پنج درم شکایت مال آرخ پنج درم سودا
 غایده وانی که بیوشی آرد افیون یک نیم توله خشخاش سیاه چهار توله در تخم آمار آید
 بچوشانند تا بر بوی آید پس پاؤ آمار کنند دهان بچوشانند تا آب جذب کنند پس گندم افشاک
 کرده بگویند مقدار چهار نیم ماشه بیوش کنند فقط **الاصا** شوکران یک توله تخم کاهن پنج درم
 یک توله بذر البج یک توله خشخاش سیاه دو توله کوفته بختی با بذر آمار بقوام سازند و فله

گلنار فارسی یک شته زیر محصره یک شته باشد یک شته کوفته بیخته وز در سازند ایضا
برای حار گل سرخ شته باشد کشفه خشک شته باشد عدس مقشر شته باشد طباشیر کبود شته باشد
زرد و رسته باشد لبس ابیض شته باشد کات سفید شته باشد تخم خرفه سیاه شته باشد دانه میل
شته باشد گلنار فارسی شته باشد کافور قیصری دو نیم شته زرد الجرد و نیم شته کوفته بیته شبانه
ایضا برای بلغمی یعنی قللغ که لشکرت بلغم باشد گل سمیعی یک شته غدی یک شته گاو زبان
سوخته یک شته سعد کوفی یک شته لبس سوخته یک شته برسیا دشان یک شته کباب چینه
یک شته کوفته بیخته وز در سازند نقطه ایضا برای بلغمی طباشیر کبود شته باشد زیر محصره حار
شته باشد بنج مر جان سفید شته باشد زرد و رسته باشد زیره کرمانی شته باشد دانه میل یک نیم
باشد تخم خرفه سیاه شته باشد تخم تاج خردوس شته باشد کوفته بیخته وز در سازند وزوری که
بجلیه قروح نماید راح محرق شش سرخ شکار خرق شش سرخ تو تهای بنبر شته سرخ کوفته
شل غبار نموده بپاشند وزوری که قروح آتشک و غیره با خشک کند خمره زرد
ده عدد و فلفل حمالیه دو توله برود و اسوخته باریک سوده بر قروح پاشند وزوری
که بیاض چشم را برود چشم را صاف گردانند سافج هند می شش درم نسق سوخته سه درم سرکه
اصفهان می سه درم نوبال مس سه درم سافج مغسول یک درم مرصاف یک درم صندل
سوخته دو درم ماسیران جستی دو درم صلابه کرده تا مثل غبار شود استعمال نمایند
وزوری که سوختگی آتش و غیره را نفع دهد درم دارسنگ دو باشد آبک دو باشد خنک کوفته
دو باشد جایی سوختگی را بر و غن کل چرب کنند و این و ایران افشانند در سه روز خشک کند

باب الرار الملهة

روغن قسط برای امراض بارده و وجع مفاصل و غیره سودمند تصب الزریره ده درم
سنبل لطیف ده درم سافج هندی ده درم میوه ساطله ده درم بنج سوسن ده درم قرقه دو درم
اشته ده درم قسط تلخ پاتر ده درم مرصاف پنج درم درم شب و آب خالص یک نیم
بنجی استند صبح جوشانند تا ثالث با نذیس صاف نموده روغن بنج نیم پاتر
اضافه نموده بجوشانند تا آب بسوزد و روغن با نذیس نگاهدارند روغن که بر

فروج چشم بر حجاب باشد مفید و غن کتمان در گرگ آهی آهنی انداخته بر آتش گذارند و بعد از آن
 اقرص بر برگ گنبد و برگ ارپه و برگ حله من و برگ بجنکه و برگ نرگه و برگ عسلج و برگ
 روغن مذکور سوزانند و از آتش فرو آورده بدسته آهن می کشند و از آن
 گذرانند بعد سنگ را تحت چهار ماشه ششون چهار ماشه مار یک سوره آمیخته نگاه دارند
 و کار برند و روغن که برای مخلوق مفید افتد مجرب معمولی بسیار و یک عدد دیند که نر
 که زود باشد و کلان در زمین او سنگها شش باشد انداخته و روی او دوخته و در گرگ آهی
 آهنی نیم پا و روغن سرشفت که تلخ باشد انداخته و قتی که بسیار گرم شود و خفید و مذکور را انداخته
 نزدی بالایی آن که گرگ آهی و یا کون و یا طریفی دیگر بوشانند که دیند که بیرون رفتن
 نتواند بعد از یک ساعت از آتش فرو آورده هشت پاس کامل خوب که در لکهای
 بعد از آن در شیشه نگاه دارند و بوقت حاجت شیشه را تحت داده و روغن بیرون آورده
 سوای حشفه و سیون بر ذکر مالین و ضمیمه ایضا گذارند بالایی می برگ قبول بنگه گرم
 کرده بندند و فایده حرکت دادن آتش که جمله اجزای روغن که ترسب شده باشند مخلوط
 شوند و ثابت و یک روز همین طور عمل نمایند قضیب درست و با چه شوا نشاء الله
 روغن مجرب برای غلظت ضمیمه که جهت نزول آب باشد و هم مقوی باه بسیار و پاژده عدد
 چونک زنج کلان و لبست متقال خراطین صاف نموده باین طور که آب او در ک بران نشیند
 خالی که خورده باشند ندارند پس هر دو بزر و روغن کجند خالص ب بوشانند پس
 صاف کرده در شیشه نگاه دارند و قدری از آن گرفته نیم گرم بران بشینند و سازند بالایش برگ
 بید انجیر گرم کرده قرص پنبه گذارند آتش از لنگوت چیت بندند و روغن بر آه
 بشور که کثیر از طوبت باشند و هیچ دوا اثر نکند در این به بشوند ضامی خشک ساخته
 شش ماشه کید شش ماشه آله مقشر منقش شش ماشه فلفل سیاه شش ماشه در
 سوره شش ماشه زرد چوب سوره شش ماشه ناخواه سوره شش ماشه اجزا
 سوزنی افزون گرفته اول در روغن تلخ یکینه برگ نینب لغت در فلوس سوزانده
 فبده آله اندازند هر گاه بسوزد ناخواه و فلفل سیاه اندازند هر گاه سوخته شود

ادویه دیگر کوفته بخت اندازند و بدست آید این جل نمایند خداوند خوب حل شود پس طلا نمایند
 روغن مسکن برای آتشک و گشای و غیره و محبوب است پسته پنج توله رسیک و دانه توله
 سقمونیا یک توله برسته را کوفته در شیشه آتشی کرده مثل جوهره روغن کشند و نگاهدارند
 و بوقت حاجت نیم سرخ در برگ پان بکند کرده بخورند و اگر در شکم سوزش شود آب بنمک
 بنوشند بعد اجابت مطلوب کله طحی موزک که روغن بخورند و آب سرد بر دهنوشند
 و بفاصله یک یک روز استعمال کنند و در روز فاصله تخم بسم بالنگوشش تا شب با شربت
 شکر بنوشند و روغن برای درازی موسیای آن منع تقوی و شقط موجب آید منفی
 سی عدد و مازوسی بنیز خرد و ده عدد پوست بیلید و جزو تخم مورد و جزو بیکوفته و شراب شربت
 رطل بنجیسانند پس بعد و پر بچوشانند تا به سه رطل رسد پس صفائی بنماید و هرگز موه و تخم و تخم
 حقیقه و جزو خضاد و جزو پر سیا و ایشان جزو مسک کوفی پنج جزو کنند و پنج تخم
 شمش کمان بوداده و جزو در آن بنجیسانند پس سه شبانه روز بگذارند بعد از آن بنج
 ثالث بسوزد و نگاه صاف نموده روغن کیندر افزوده باقی بلام بنجوشانند تا آب بسوزد
 در روغن باند پس بکار بریزد و روغن دیگر برای مخلوق تخم و متوره هم سازد اما مالک کلنی هارام
 پوست پنج کینر سفید و دو دام کونگی سفید و دو دام انگوزه دو دام خلدیباریک ساتیده در روغن
 کیندر مخلوط نموده در شیشه انداخته روغن کشند و بکار بریزد و روغن برای قوت باه
 مجرب غوک خشکی ده عدد ساندله و عدد کیکره و عدد و خراطین و دو دام کونگی سفید و دو دام
 کرم سرخ و دو دام پوست پنج کینر سفید و دو دام زبر تله و دماشه در روغن ماده نگاهدارند
 موافق تر کرده در ظرف مسی تا سه روز نگاهدارند بعد در شیشه کرده از آتش نرم پاچکدستی
 چوده کشند و استعمال نمایند و هر چند که نگر و دفع زیاد و خشت فقط

باب الزانده المجره

زنان که بیهوشی بچکاری نامند زرا قه که تجلیه قرحه نماید و تسکین عجزش نماید شیر بز چشمانک
 آمار سبوس سبوس چهار ماشه یا شیش شش خالص چهار ماشه افزوده بدست و بزاقه
 سازند ایضا شیر بز یک چشمانک بجا کهنه از دماشه قوتیامی محرق یک ماشه مخلوط

ز راقه گیرند ز راقه که تجلیه قرصه و هم اند مال نماید شب یانی بریان یک ماشه توتیای بریان
 یک ماشه شون قلمی یک ماشه سنگ راحت دو ماشه گل ارغنی دو ماشه گف دریا پنج ماشه پس
 صفائی نموده کات سفید شده ماشه توتیا هشت سرخ جو اکهار دو سرخ باریک سود مخلوط
 نموده در آب سه چشمانک تر کرده زیر آسمان بگذارد هشت صبح بدستور رزاقه گیرند راقه
 معمولی که در اندمال قرصه نظیری ندارد و سنگ راحت چهار ماشه کاغذ سوخته چهار ماشه سفید
 از زیر چپ را ماشه پوست پنج انجا چهار ماشه حوض بندی چهار ماشه کات سفید چهار
 گیر و چهار ماشه صمغ عربی چهار ماشه گلزار فارسی چهار ماشه گوفه نیخته آب سرخ نیخته رقیق
 آینه خسته روغن گل نه ماشه آب بارتنگ سبز و توله اضافه نموده بدستور رزاقه سازند
 ایضا که بار با تخریر بر زمین برگ نیب نیم پاؤ در آب شیرین جوشانید و قتیکه حصیه
 باند نموده حوض بندی یک توله امیون خالص که نه دو ماشه در آب مذکور خیسانیده
 بعد چهار گهری دست بدهند تا خوب مخلوط گردد در شیشه نگاه دارند وقت ضرورت شیشه را
 حرکت داده و قشقر از آن گرفته بدستور رزاقه سازند راقه محرب خاک یک نیم توله
 بلبلیه منساه شش ماشه بلبله کابلی شش ماشه بلبله زرد شش ماشه سمندر سوک
 شش ماشه گف دریا شش ماشه امیون خالص و ماشه توتیای سبز خام سه ماشه فلفل
 یک ماشه حوض بندی نه ماشه اول بلبلجات را در سه پاؤ آب تر نمایند و شب و ششم دارند
 صبح هر دو به ساینه در آن مخلوط نموده در شیشه کرده چهار پر کامل حرکت دهند و سه
 رزاقه سازند راقه شبان ابض شش ماشه حوض بندی سه ماشه در آب غلب
 سبز چشمانک آثار بدستور رزاقه سازند ایضا توتیای سبز خام و سرخ کات سفید
 یک ماشه دم الماخوین یک ماشه شون قلمی یک ماشه باریک سود و ده توله مخلوط
 نموده بکار برند ایضا حوض بندی دو توله توتیای بریان یک ماشه فلفل سوخته یک و
 سفید آب از زیر شش ماشه در آب تازه سه چشمانک حل کرده رزاقه سازند راقه بامیوح
 شانه و خروج القیع سفید طین مفر و چهار ماشه غنچه گل سرخ یک توله باریک ساینه حوض بندی
 یک توله ساینه کات سفید یک ماشه شب یانی بریان یک ماشه توتیای بریان سه ماشه

در این میان چهار ماشه

در عرق غلب اشغال بقدر احتیاج در شیشه کرده دو گهری خوب حرکت دهند تا کف آید
 بعد چکار می گیرند زراعت از موقوف رساله کبابه چینی دو ماشه قهقهه ماشه
 قشقه مس محرق دو ماشه کات سفید سه ماشه گل ارغنی سه ماشه دم الاغین دو ماشه
 شب بامانی بریان دو ماشه کافور خالص دو ماشه لشب سبز دو ماشه گلزار فارس
 دو ماشه سنگجراحت سه ماشه صمغ عربی سه ماشه کتیر استه ماشه نشاسته سه ماشه طلعی
 دو ماشه سفید آب ارزیه سه ماشه کونار کلان دو عدد اجزا ابریک ساینده در آب
 خالص نیم آنرا تر نمایند و قتی که احتیاج شود وند می از آن گرفته بفضیده بنفشه مرغ شسته
 وقتیکه خوب مخلوط شود بدستور زراعت سازند لیکن اول تجلیه فرود نموده باشند از مواد

باب السین المصنعة

سفوف و افح حریان عتیقه صمغ عربی یک توله صمغ و صاک یک توله قشقه بیض محرق
 دو توله خسته انبه دو توله خسته حامین یک توله خسته جزایک توله خسته تمر منیدی یک توله
 سچول بول یک توله سچول مکھانه یک توله تالکھانه یک توله بیج بندیک توله سروالی
 یک توله کمر کس یک توله مصطلک رومی نه ماشه چوب بلوط یک توله نازوی سبز خرد کافور
 گل فوغل یک توله تخم خرفه سیاه یک توله شمشاد سفید یک توله حب الاس یک توله فستق
 یک توله گل مندی یک توله غلب مصری یک توله گلزار فارسی یک توله کوفته بنفشه شکر
 سفید هموزن ادویه ایمنه بدستور سفوف ساخته نهاده مقدار نه ماشه یا کف له با شیر گاؤ
 خالص تازه بلع فرمایند ایضا برای نمرینه مصطلکی رومی نه ماشه تالکھانه یک توله
 سچول مکھانه یک توله بیج بندیک توله سروالی یک توله طباشیر کبود شش ماشه گل سرخ
 یک توله موصلی سفید یک توله موصلی سیاه یک توله صمغ عربی یک توله بهر سفید یک توله فوغل
 یک توله اما بهر شتر منقی یک توله کمر کس یک توله پوست بلید یک توله غلب مصری یک توله تخم خرفه
 یک توله قشقه بیض محرق دو نیم توله شمشاد سفید یک توله کوفته بنفشه شکر سفید هموزن ادویه افروز
 بدستور معلوم استعمال سازند ایضا برای عتیقه که از هیچ حیل نرفته باشد در هم

حرارت برضای که بهیچ حیل زائل نشود کشتیز خشک هفت باشد کثیرا هفت باشد آله کشتیز منق
 هفت باشد تخم ریحان هفت باشد ست گاه هفت باشد مهرس هفت باشد پوست درخت
 هفت باشد صمغ دهاک هفت باشد زیوند چینی چهارده باشد ست سلاجیت چهارده باشد
 تخم سردالی چهارده باشد سفید سوکله چهارده باشد خار خشک خرد چهار باشد ستا و هفت
 دانه الاپی خرد هفت باشد کوفته بیخته نبات سفید هموزن ادویه آمیخته نگا پادارند علی اصباح
 نقد او یک توله با جوشانده پصلی بول چهار توله که سه خصله اش سوخته باشد صافی نموده
 بنوشند غذا خشک و دال مونگ ایضا برای جربان مازومی سبز خردش باشد
 سنبلیطیب هفت باشد قاقایه صفا یک توله گل سیوتی یک توله طباشیر سفید یک توله
 قشر بصر محرق و توله مصطکی رومی یک توله خار خشک خرد نه باشد سبزی شش باشد تخم
 خیارین نه باشد مغز بادام شیرین یک توله جفت بلوط شش باشد گل سرخ نه باشد گل
 منتهی یک توله موصلی سفید شش باشد زرد پوشش باشد صمغ عربی یک توله حب الاس
 چهار باشد موصلی سیاه شش باشد کشته قلعی چهار باشد کوفته بیخته سفوف ستا بستور و زرد
 ایضا اگر چه ترکیب سفوف نیست مگر چونکه مخصوص برای جربان است لهذا تخرید
 بگیرند نارجیل کلان که استخوان رویش دور کرده باشند سرش را سوراخ کرده تا ملکها نه
 را کوفته بیخته تقدیر سازند که خالی نماند بعد ه سرش را از هموزن قد تر اشیت بند نموده
 بدو سیر آرد و خمیر کرده بند کوفته را ز کرده بر رویش بچید در ده آثار او پله آتش داده چون
 سرد شود بر آورده به روزنیک تا ملکها نه انداخته بودند بهمان وزن پوست ریشه آویزان
 درخت برگد و بوزن آن پوست ریشه کنار جنگلی و گوند بول و کثیرا و موسله سنبلیط
 دال باشد مقشر ریان و ستا و تخم کوبخ و آرد سنگها را این مجموع دو د توله باریک
 کوبید هموزن شکر خام آمیخته نگا پادارند خوراک دو توله با شیر گا و تازه و پر پیر از
 محاسنت تا چهل روز نمایند سفوف که اسهال ملغم نماید اگر چه غلیظ باشد تب سفید مجوف
 خراشیده نباشد خار بقون بشترند کوزه باشد کثیرا چهار و نیم باشد حب لیل چهار و نیم باشد
 چهار و نیم باشد مصطکی چهار و نیم باشد بلخ اندرانی دو باشد و دوسرخ کوفته بیخته سفوف بنار

مقدار خوراک بهفت باشد و نه باشد سفوف تربید مسهل بلغم غلیظ و امراض بلغمی مفید
 تربید شرط بهفت باشد نجیب میل سه و نیم باشد گل سرخ سه و نیم باشد ریوند پیچیده
 سه و نیم باشد کوفته پیچیده بار و غن با دوام شیرین چرب نموده بدستور سفوف سازند
 خوراک نه باشد و بالایش آب گرم نوشیده باشند ایضا سفوف تربید تربید شرط
 و نه و نیم باشد نجیب بهفت باشد شکر سفید سه و نیم توله کوفته پیچیده سفوف سازند
 و بهفت باشد بخورند آب گرم سفوف سه و نصف اول بنفشه شش باشد غنچه گل سرخ
 نه باشد پوست بلبله زرد و نه باشد سنار یکی نه باشد بار یک سائید بر و غن با دوام شیرین
 چرب نموده بلع نمایند روز و دوم این تربید بنوشند تخم خیار و لاتی یک توله اومی بخار
 و ده دانه اسفند فول یا شبنم غذا روزانه آتش چو شام کھنجر می نمونگ کم و غن سفوف
 که اخطا طبلش را بر آرد پوست بلبله زرد و توله پوست بلبله کابلی بلبله و توله شوره قلمی
 یک و نیم توله ریوند چینی یک و نیم توله سنار یکی یک و نیم توله افیتمون و لاتی
 یک و نیم توله فلفل سیاه یک توله کوفته پیچیده سفوف سازند و نه باشد همراه آب الو بخار
 بخورند فقط سفوف سورنجان سه و نیم برایی و جج مفاصل سورنجان شیرین بهفت
 و دوم برگ سنار یکی ده شقال برگ خاسی خشک تله درم گل سرخ پنج درم قند سفید درم
 زعفران تخم یک درم پوست بلبله زرد و بهفت شقال تخم خطل سه درم کوفته پیچیده سفوف
 سازند و همراه عرق غلب الثعلب نیم گرم بنوشند مقدار شش باشد و نه باشد سفوف
 مسهل سودا از تولف رساله حب النیل و و باشد پوست بلبله کابلی و باشد پوست
 بلبله زرد و باشد بلبله سیاه سه باشد اسطوخودوس یک باشد بسفایخ فستق یک باشد
 افیتمون یک باشد با دوام شیرین سه عدد گل سرخ یک و نیم باشد سنار یکی باشد کثیرا
 یک باشد لاجورد مشغول چهار باشد غاریقون مشروط سه باشد او و یک کوفته پیچیده بعد
 لاجورد آمیخته سفوف ساخته نه باشد بخورند آب گرم اعانت بر اسهال مفید بوده باشد
 سفوف لاجورد و زین سفوف لاجورد غیر مشغول است و برایی صواب بالبخار
 و امراض سودا و یه سفید پوست بلبله کابلی پنج درم بلبله سیاه پنج درم غاریقون

درم سفناج نسیج چهار درم افیتون و لایتنی چهار درم گل کلاو زبان چهار درم اسطوخودوس
 چهار درم یک قطعی چهار درم ماشه لاجورد و غیر مسئول چهار درم ماشه خرق سیاه چهار درم ماشه
 کوفته بخیج سفوف سازند غوراک نه ماشه بامار الجین سفوف باضم براسی اطفال و غیره
 شکار بریان یک ماشه شوره قلمی سه ماشه بلبله سیاه نه ماشه پوست بلبله زرد نه ماشه بادیان
 و دو توله و آنه پیل یک توله بزرگ کبابی چهار ماشه باو کھنجا چهار ماشه زرا بناد یک و نیم ماشه
 نفع خشک یک توله در روغن زرد و کاو بریان نموده نمک سیاه شش ماشه اضافی
 نموده بدستور سفوف سازند ایضا باضم نفع خشک نه ماشه بادیان و دو توله پوست
 بلبله زرد چهار ماشه پوست بلبله کبابی چهار ماشه بلبله سیاه چهار ماشه عود غرق چهار ماشه
 بزرگ کبابی چهار ماشه باو کھنجا چهار ماشه زرا بناد سه ماشه و آنه پیل یک توله و اطفال
 دو ماشه ابلهون چهار ماشه ناخواه چهار ماشه تخم کرفس چهار ماشه زیره سفید چهار ماشه
 حواکهار چهار ماشه کوفته بخیج مار و روغن بادام شیرین نه ماشه چرب نموده نمک طعاش سه
 نمک شور شش ماشه نمک لاجوردی شش ماشه شکار بریان دو ماشه شوره قلمی چهار ماشه نه
 نموده بدستور سفوف سازند سفوف که فی بلغی را باز دارد و کند پنج درم صطکی
 پنج درم عود خام هفت درم انار دانه ترش پانزده درم قرفل پنج درم قافله چهار درم
 جوز بوا چهار درم بنیاب چهار درم سعد کوفی چهار درم نفع خشک چهار درم پوست تربخ
 و دو درم قرفل خشک و دو درم گل سرخ شش درم شنبلیله طبیب پنج درم آماله مقشره منقی پنج
 کوفته بخیج سفوف سازند سفوف که فی الدوام را باز دارد گل ارمنی نیم درم صمغ عربی
 نیم درم گلزار فارسی نیم درم دم الاخوین نیم درم کندر نیم درم کوفته بخیج سفوف سازند
 سفوف که شهوت طبع نه نان را نافع باشد ایسون ه درم تخم کرفس ه درم ناخواه درم
 زیره کرانی ده درم فلفل سفید و نیم درم قرفل پنج درم کوفته بخیج سفوف سازند قدر
 شربت چهار ماشه سفوف مغلیظ منی موصلی و کھنجا یک توله سردالی یک که کباب
 یک که تخم آوئنگن یک توله بالملکانه یک توله پنج بند یک توله ال سفید یک که شکر سفید
 پنج توله کوفته بخیج سفوف ساخته باشی گراناز به بلع نمایند مقدار نه ماشه ایضا مغلیظ منی

و برای جریان هم مفید چرا گوشت توله سبزه و سبزه توله تلخ بصری سبزه توله مصلی سفید بر توله
 مصلی سیاه سبزه توله قشر پیش خرق دو توله شقاقل مصری سبزه توله شقاقل کابلی سبزه توله
 بنات سفید نیم پاکه کوفته بخته بستور سفوف سازند خوراک از شش باشد تا یک و نیم توله
 بر چیز از شش و جماع و فلفل و غیره سفوف مسکرم غریبه بوداده و دوازده درم مفریادام
 مفریادام و دوازده درم دانه چینی دوازده درم بنات سفید دوازده درم حرس علی بنات
 کوفته بخته سفوف سازند خوراک سبزه باشد ایضا مسکرم مقوی تشط غریبه است و دوازده
 نشسته خشک چهار باشد تیر یک باشد کوفته بخته سبزه بخته سفوف که قطع دم و اسیر
 نماید جوز محرق سبزه زرده تخم مرغ سوخته سبزه ناشه کفیه بوداده ناشه کوفته بخته
 با عرق بارتنگ بلغ نماید مقدار شش باشد سفوف سرطان برای سل سرطان
 سوخته و درم طبن قبری پنج درم صمغ عربی پنج درم خشخاش سفید پنج درم خشخاش سیاه
 پنج درم مفر تخم خرنه پنج درم کوفته بخته با شربت خشخاش بخورند یا شیر خشک تاب
 سمنون برای و دردندان و جریان خون ازین آن سنبلیطی باشد مفر نقل
 چهار باشد زنجبیل شش باشد عاقر قره خانه باشد دانه هیل شش باشد الایچی کلان شش باشد کاج
 شش باشد کباب خندان شش باشد بنگ کابلی شش باشد مصطلکی رومی یک نشسته شب یانی بریا
 یک نشسته لوططاسی بریا یک توله سنگم احت یک توله گل ارمنی شش باشد دم الاخوین
 شش باشد سونان کمی یک توله کات سفید یک توله مازومی سبز خار داشت باشد دانه میچلی
 بول یک توله گلنار فارسی یک نشسته لوططاسی یک توله طباشیر کبود شش باشد کوفته بخته سمنون
 سازند ایضا گردسته باشد دم الاخوین سبزه باشد سنگم احت سبزه باشد گل سیوتی سبزه باشد سنبلیطی
 سبزه باشد پوست درخت مولسری سبزه باشد پوست درخت بول شش باشد پوست انار ترش شش باشد
 گلنار فارسی سبزه باشد گل فوجلی سبزه باشد شب یانی بریا شش باشد مازوسه باشد مصطلکی سبزه
 سبزه باشد کوفته بخته سمنون سازند ایضا برای استحکام شش و بند نمودن آن برین غان تحرک
 دندان مفید است فوفلی سوخته و دوازده کزانج چهار باشد طباشیر کبود و دوازده سنبلیطی
 دوازده مصطلکی دوازده حنظل مندی دوازده مازومی سبز خرد و دوازده کات سفید دوازده

گلزار فارسی دو ماشه شب یانی بریان دو ماشه دم الاخوین دو ماشه کوفته بختی سمنون سازند
 ایضا مجرب برای استحکام لثه در و بایندن گوشت صالح و جلا بردن عاقر قرحا
 شش ماشه شتره الطرفه شش شقال و ج ترکی شش شقال سجد کوفی شش شقال
 پوست انار ترش شش شقال مازوسی سبز خرد شش شقال کنده شش شقال گلزار فارسی
 سه شقال گلسرخ سه شقال مر و ارید سه شقال مر جان شش سه شقال خرف چینه
 سه شقال پنج سوسن اسما بخوبی سه شقال شاخ گوزن سوخته یک و نیم شقال
 براده دندان فیل یک نیم شقال پوست بلبله نزدیک نیم شقال طباشیر کبود یک نیم شقال
 تخم خرفه سیاه یک نیم شقال نشاسته یک نیم شقال کثیر ایک نیم شقال کشنیر خشک یک نیم
 شقال حدس قشربک و نیم شقال غلغل سفید یک شقال مصطکی یک شقال عود بلسان
 یک شقال کوفته بختی کافور منصور در و اتق ایضا نموده بدستور ستون سازند ایضا برای ج
 دندان که کثیر الاستعمال است از راتی محرق یعنی کچل خشک شش ماشه عروق لیمون یعنی لیمو سی نه ماشه
 حب لقطن محرق یعنی بنه دانه سوخته شش ماشه عاقر قرحا شش ماشه غلغل گرد شش ماشه شب یانی بریان
 چهار ماشه مصطکی رومی شش ماشه کوفته بختی سمنون سازند ایضا مجرب برای دفع درد دندان
 و استواری آن کاغذ سوخته یک شش سماق یک شش لرد البحر یک شش نمک بریان یک شش
 سجد کوفی یک شش حب الاس دو ماشه پوست بلبله دو ماشه پوست انار یک دو ماشه مازوسی
 جزو دو ماشه گلزار فارسی یک ماشه شب یانی بریان یک ماشه لباسه دو ماشه طباشیر
 یک ماشه شاخ گوزن سوخته سه ماشه کوفته بختی سمنون سازند ایضا مجرب بنبله تھو تھه
 بریان دو ماشه شب یانی بریان یک شش فلفل سوخته یک شش کات سفید سه ماشه
 زنجبیل دو ماشه فلفل سیاه سه ماشه بر و او دو پیرا کوفته بختی ادویه دیگر در آن آیه
 استعمال نمایند و همین فرودشته دارند که لعاب برود تا ویران از آن برگ تنبول مح
 مصدا لرح آن بخورند و استعمال وقت شب کنند و چند و بعد آن آب بدین سانند فقط
 سه حبه که زعفران را بند سازد کاغذ سوخته دو ماشه پوست تخم مرغ سوخته دو ماشه آفاقیا
 دو ماشه مازو دو ماشه بسر که و توله انداخته مخلوط نموده در بینی بچکانند سه حبه که جدا

دانه الفه در آب کاهوشش باشد روغن نیلوفر سه شمشیر خورش باشد مخلوط نموده در
 بینی چکانند سه مراد شیر و خردلیست که زردی خورش از این شیر آن بگیرند و بکار برند فقط
 سه حبه که فالج و لقوه و امراض بارده دماغی را سود دهد صبر زرد و دانه باشد نیز دانه
 بوره ارمنی در آب مسامی در آب برگ چغندر آبیخته در بینی چکانند سه حبه که امراض
 دماغی را سود دهد روغن بنفشه با دام و تولد روغن نیلوفر و تولد آب کاه بود و تولد شیر و خرد
 و تولد با سم آبیخته قدری قدری در بینی چکانند ایضا عرق سید ساه سه تولد عرق
 صندل سه تولد کافور خالص سه باشد با سم مخلوط نموده در بینی چکانند سه حبه که
 مضر و واضع و دیندی چهار باشد سه کوفی سه باشد دانه سیل سه باشد پوست زرد
 اترج سه باشد کشمش خشک سه باشد صندل سپید سه باشد غنچه گل سرخ چهار باشد
 گل بسکه چهار باشد زرد شک سه باشد یک که گار زبان گیلانی سه باشد آب شیم خام قرض
 سه باشد طباشیر کبود سه باشد آمله متقشر منقح سه باشد دانه کمون کرمانی سه باشد زرد و دانه
 گروساق سه باشد سافج هندی سه باشد پوست بیرون بسته چهار باشد کوفته بنفشه شربت
 انارین چشمانک آثار مرئی سه تولد مرئی سیب تولد غسل مصفی با و آثار و سرکه خالص
 نیم آثار عرق شناع چشمانک آثار آب لیمون کافوری سه تولد آب ترنج سه تولد آب
 سه تولد آب فلفل تر سه تولد آب بخیل تر سه تولد نبات سفید نیم با و بقوام آورده
 ادویه اندوده بدستور معهود و سنجیدن سازد فقط

باب الشین المجمع

شربت بنوری بار و معمولی خاندان اوستاد حقیر تخم خیارین سه تولد تخم کاسنی
 دو تولد پوست پنخ کاسنی یک نیم تولد تخم خربزه یک نیم تولد خار خشک خرد یک نیم تولد شب
 در آب گرم یک آثار و یک با و بنجیسانند صبح خوشانیده صافی نموده شکر سفید یک نیم با و بنجانه
 نموده بقوام شربت آرند شربت بنوری حار تخم خیارین دو تولد تخم کاسنی دو تولد
 پوست پنخ کاسنی یک نیم تولد پوست پنخ با و بان یک نیم تولد تخم کرفس یک نیم تولد پنخ کرفس
 یک نیم تولد در صره بسته شب آب گرم یک آثار سه با و بنجیسانند صبح خوشانیده صافی نموده

شکر سفید آمارا اضافه نموده بقوام شربت آرد شربت و در سنانی که سحاح نماید
 غنچه گل سرخ و پنج توله در آب سته آمارا بجوشانند تا دو ثلث بماند یعنی مالیت صاف نموده
 غنچه گل سرخ و پنج توله دیگر افزوده بجوشانند تا یک ثلث باقی ماند باز مالیت صافی نموده
 سنا رکی دو توله غنچه گل سرخ دو توله اضافه نموده بجوشانند تا پا و آمارا بماند پس مالیت صاف
 نموده قند سفید پا و آمارا اضافه نموده بدستور شربت سازند قدر شربت چهار توله و پنج توله
 آب سرد اگر مانعی نباشد شراب مسکه یعنی مسکه پدید آید کنتج بواسیر را سود دهد و مع
 قوت دهد و بواسیری را باغشش کند سعد کوفی شش توله آمله نقشر منقی سه توله قند سیاه کهنه
 دو توله و سه ماشه آرد و به کوفته در سته آمارا آب تر کرده و در ظرف چینی زیر زمین تا یک هفته
 و هفت کسبند یعنی بر آورده جوشانیده صافی نموده بقوام شربت آرد قدر شربت سه توله
 ایضا مسکه در ابی امربه بارده مفید و رطوبت فاسد را از معدن پاک سازد و بخیل
 یک نیم توله دار چینی یک نیم توله انه الایچی خرد و هفت ماشه و انه الایچی کلان هفت ماشه
 قرنفل سه و نیم ماشه همه اکوفته در دیگ کنند و زرد و نیم آمارا آب بجوشانند تا دو ثلث آب
 برود و صافی نموده شکر سفید انداخته ملائم بپزند تا بقوام آید پس صافی نموده در شیشه کرده نگاه دارند
 قدر شربت سه توله شراب مسهل یعنی رست آوزند و اسهال بلیغم سودا کند و صاحب
 آتشک را مفید آید و بست شحم خنظل دو توله پنج خنظل چهار ماشه فیتون و لاتی سه توله
 و صره بسته سنا رکی سه توله در آب سته پا و بجوشانند چون ثلث بماند بیا لایند و هم چند تناید
 شکر افزوده بدستور شربت سازند قدر شربت چهار توله آب گرم شربت مصفی غنچه
 تصفیه خون نماید و دامت بر او از خارش و دیگر امراض باز دارد و ترشندی است در الم و غل
 ده درم عناب و درم زرشک بیدانه پنج درم پنبنتین و می پنج درم گل نیل و درم گل خلت
 بکاین پنج درم گل خناب پنج درم تخم بنوی پنج درم براده صندل سفید پنج درم حرانه پنج درم نیل
 پنج درم برم و نیم پنج درم براده چوب آبنوس پنج درم سفنج فستق پنج درم
 شانه شرف پنج درم سر هک که پنج درم بلبله سیاه پنج درم فیتون پنج درم در صره
 بزرگ کانی پنج درم شب و آب گرم پنج آمارا بجوشانند صبح جوشانیده و تکیه کرده گرم نمایند

در
مجموعات رضائے

صاف نموده شمشاد خالص نیم آنرا اضافه نموده بقوام شربت آرد شایف امیض
برای ارید مغیبه کثیر او دماشته سفید است ارزیز دوماشته صمغ عربی دوماشته حنظل مندی
دوماشته افیون خالص یک ماشه زعفران تخم چهار سرخ کوفته آب اکلیل الملک خواه به سفید
بیض مرغ شسته خوب بندند و عند الحاجة بشیر و خربا به سفید بیضه مرغ یا آب عناب
سایه بکار برند شایف که عقب سهل استمال کنند اگر اسهال تقصیری شود
برنجین خراسانی شش ماشه صابون دوماشته نمک طعام سه ماشه کوفته آمیخته بدست
شایف ساخته استمال کنند ایضا فلو س خیال شربت سه ماشه نمک طعام سه ماشه تنباکوی
کشیدی سه ماشه با هم آمیخته شایف ساخته بکار برند ایضا شکر سرخ سه ماشه نمک طعام
سه ماشه ترد سفید دوماشته صابون سه ماشه با هم آمیخته باروغن گل ماشه چربوبه
شایف ساخته بردارند قاعده باید که در ساختن ملحوظ دارند که چهار گشت مضموم
صاحب آن باشد یعنی شخصیکه شایف گیرد

باب الاصابه والمهله

صمغ که دماغ سپید را زایل گرداند و جلد سبالت اصلی آرد و مرغ محلولی آب لیمون
سه توله نو سادر یک توله با هم آمیخته ضماد سازند ایضا خون ریسه مالیدن نفع میدهد
ایضا گوگرد و زردیک شسته گل ارمی شش ماشه باجی دوماشته اول باجی اد عرق ادرک با ساینده
بعث او و به دیگر انداخته خوب حل کرده بکار برند ایضا گچ سفید سه ماشه
شر سبب کتیا سه ماشه حنظل مندی سه ماشه اجو این خراسانی سه ماشه قشر الرمان
سه ماشه صندل سرخ سه ماشه گوگرد آله سار سه ماشه باجی سه ماشه ادرک سه ماشه طین
سه ماشه توتیا سه ماشه سرکه انگور بی سه ماشه کوفته بیخته در آب ادرک شب بخسارند
صمغ صلا کرده بقدر کنار دشتی خوب زنده خشک کنند و به آب تازه سایه برداغ طلا
نمایند روزی چند مرتبه صمغ مجرب برای هتق امیض کبریت سوخته چهار دم فرغ خون
و در دم بلاد سوخته و در دم خرق سباه یک دم سبطرج هندی یک دم شقایق لطیفان
یک دم کوفته بیخته با سرکه کهنه طلا کنند صمغ که هتق امیض را زایل سازد و تخم ترب و ماشه

شش طرح بندی و دماشته قوه الصبغ و دماشته کندش و دماشته خردل و دماشته کوفته بجنه
در سکه کشیدند و در آفتاب نشسته ببالند صبیح محراب و از نموده و خمره زرد و کلان
هموین آن تو تپایی گویانی و کات سفید این همه جزا در یک سبوحه انداخته شش محکم
شوده بر آتش پاچکد شتی گذاشته آتش تیز دهن تا خوب خاکستر شود پس همه ابر آورده
نگاه دارند و بقدر دماشته وقت صبح آب تازه خورند و این و ابر و افغ طفا کنند
زربخ طبعی و دماشته کات سفید و دماشته کوفته بجنه در گل صد برگ تازه کسر نمایند
بدون آب و در روی آفتاب نشسته تا چهار گوی ببالند روز دوم نیز در گل صد برگ بپزد تازه بپا

باب الضاد و المجمع

ضماد برای تنق اشین قفل ازرق یک توله برگ سر و چشمانک آثار مازومی بنبرد
سه توله جوشانید باشند یک شبانه روز خیسانید مالید اقا قیاسه ماشه گلاناز بار
سه ماشه حصن هندی سه ماشه عصاره لخته البقیس طراشیت سه ماشه زرا نیا دسه ماشه
بیخ ریحان سه ماشه زیره سفید سه ماشه زیره سیاه سه ماشه جوز بوا سه ماشه خرنوب سه
سه ماشه عسلش گادنی سه ماشه کوفته بجنه در صلیا یا اندازند و بدست ببالند تا شل
هر هم شود پس بکار برند ضماد و برای درم خصیه سوداوی غلب الثلب ماشه گل خطمی سه
گل نقشه سه ماشه آردو سه ماشه گل بابونه سه ماشه کوفته بجنه پیه قاز سه ماشه پیکیان
سه ماشه سه گره زرا سه ماشه باب کشین زرشه نیگرم ضماد سازند ضماد و نافع براس
وج الرحم که اکثر زمانه ابر وقت ذر و رطمت عارض میگردد صبر سقوطی آب غلب الثلب
آب کاسنی بنهر حله کرده جوشانید بر عانه ضماد سازند تا سه روز الضاد برگ نیب گرم کرده
بر عانه گذرانید و وج زائل میکند و ادرار بخوبی میکند الضاد را وند خطمی قدس
تقدیر روزی چند بار خورانیدن و کوکنار در آب تر کرده آب و می بالاسی آن نوشانید
منفید میشود و طبیعت نهانی صحت الدوله جاور یعنی حکیم سید مرزا خان صاحب واضح شد که
دوامی انگیز می که اهل فرازگ آنرا و بر بپا مانند مقدار سه سرخ تا چهار سرخ همراه
شربت بنوری ببارود و توتام هفت روز نوشیدن وج معلوم از اهل میباید

و بار نام تجربه رسیدن فقط ضما و که برای نوا سیر یعنی قرصه مقعد بجا میسازند و تسکین یکبار
 کات سفید یک توله حق بلوغ نموده پارچه نیز نموده سه بار تا که خوب مثال غبار شود
 از انگشت بر قرصه بپایانند ضما و که استسقا زرقی را سفید سنبلیط است داشته
 سه کوفی سه داشته اذخر یکی سه داشته گل بابونه سه داشته اکلیل الملک سه داشته
 شکل نبرد توله یا شکل آه در آب غنبل الثعلب سبز پنج توله آب برگ چغندر یا آب برگ
 ترب سائیده نیم گرم ضما و سازند ضما و برای استسقا لجمی آب برگ و به توره سه توله آب
 برگ غنبل الثعلب سبز سه توله آمیخته ضما و سازند ضما و که در م طحال ابرو اشقی سه داشته
 صبر زرد سه داشته جاوشیر سه داشته گل بابونه سه داشته اکلیل الملک سه داشته در سرکه
 خالص چهار توله روغن گل نه داشته افزوده نیم گرم ضما و سازند ضما و اقوی بر جفا و
 سه داشته اشقی سه داشته انجیر زرد و لایتمی دو عدد و پوست سیج کنیر سه داشته سکنج سه داشته
 زرا نباد سه داشته خاکستر خوب انگور سه داشته جاوشیر سه داشته در آب غنبل الثعلب سبز چهار توله سائیده
 سرکه خالص دو توله روغن گل نه داشته افزوده نیم گرم ضما و سازند ضما و برای ابرو گیر سه داشته
 صندل سرخ سه داشته خضف سندی سه داشته برگ نیب هفت عدد و افیون خالص یک سه داشته
 زعفران چهار سرخ شب یانی بریان دو سه داشته در آب برگ بجای سه توله سائید نیم گرم ضما و
 سازند ضما و برای رم لثه بار و بخیل قیر است سه داشته غنبل الثعلب سه داشته روغن گل
 نه داشته افزوده نیم گرم ضما و سازند ضما و اگر بر معیت نهند اسهال آورد با قلا می مصک
 و خسته گذارسته شیر خالص چندان بران ریزند که بالای دمی بیاید چشمت او و روغن
 گا و هموزن آن اندوده بدستور تیار ساخته بالای پارچه کشید بر معیت نهند اسهال
 آورد و ایضا زهره گا و یک عدد و عسل یک توله روغن زیت یک توله شحم خنظل یک توله
 یک توله بدستور مزج ضما و سازند ایضا عصا در فشار الحار دو توله شحم خنظل یک توله
 زهره گا و عدد و مخلوط نموده بر شکم ضما و سازند اسهال آورد ضما و که هماسه را زائول
 سازد و لیوی می کاغذ می تراشید و ران زعفران سه داشته و گلت دریا دو سه داشته مرکب زهره
 پنهان و زهره بالایش آرد گندم باب شتر پیچیده در آتش انداخته و فیکه سرخ شود و آتش سرد کرد

خمیرہ دور ساخته ادویه برآورده ضما سازند ضما و که بکمان از بدن برآواشقی سہ باشد
 پیاز سہ باشد رگس سہ باشد فی کوفتہ سہ باشد بعل ششہ ضما سازند ضما و کہ نصف صبح
 سود و حسب الاس سہ باشد عود غرق سہ باشد گلناشت سہ باشد برگ مور سہ باشد
 پوست بہ سہ باشد پوست سیب سہ باشد گل سرخ سہ باشد صندل سرخ سہ باشد صندل
 سہ باشد کوفتہ بختہ بہ گلاب یا آب سیب چار تولہ سرشتہ ضما سازند ضما و کہ دہل
 بہ تحلیل بر و جلہ سہ باشد میعہ سہ باشد موم سفید سہ باشد باہم آمیختہ قدری گرم است
 ضما سازند ضما و کہ کوفتہ را سفید رزہ چوب سہ باشد عذس بریان سہ باشد باب
 سہ تولہ ساینہ ضما سازند ایضا مغز تخم ازب سہ باشد در شیر زستہ تولہ ساینہ
 ضما سازند ایضا گلیم کہنہ سوختہ یک تولہ در روغن مرثفت سہ تولہ ساینہ ضما
 سازند ایضا چوب کہنہ درخت باڑ شش باشد کہ بعد ریختن برگ بماند در روغن
 بید انجیر و تولہ ساینہ ضما سازند ایضا عدس یک دو تولہ بنگ و دو تولہ در روغن کنجد
 پنج تولہ خوب بسوزانند بوج خوب حل کردہ بکار برند ضما و کلفت یعنی جہانین و درکن انہ زوت
 سفید سہ باشد کتر استہ تولہ کوفتہ بختہ باشد گاو نازہ بر کلفت بماند ایضا اجڑ مغز عشار
 دو کردہ هموزن آن آبک آن آمیختہ عرق لیمو زودہ ضما نمایند و شود ایضا از صحت الدوا حکم
 سید مرزا خان بہادر اسم الفار یک شہ کبریک باشد صندل سرخ و دراشہ صندل سفید و ماشہ حسن
 دو ماشہ کوفتہ بختہ ہمہ عرق لیمون یا عرق آدرک چستہ عند الحاجت بعرق لیمون یا بکار
 ضما و کہ استان را بزرگ شدن نہ ہد خون شہرہ یعنی چکا ڈ تازه تازه زودہ سہ باشد
 ایضا کل مکین سہ باشد کل چاندنی سہ باشد مغز سر پنجا سہ باشد شتر آملہ سہ باشد باب بذر البخی
 ششہ ضما سازند ضما و کہ منع روئیدن ہو کند زو یعنی چونک سوختہ با سکہ یا آب
 سرد آمیختہ خوب مخلوط نمودہ موراکنج بر جمون مومخ قدری چسپا تہ باز روئیدن
 نہ ہد بہت ضما و کہ تسکین وجع نسل مفاصل و صدر و عظام و غیرہ نماید پنج نقشہ
 سہ باشد پنج نے سہ باشد سورنجان تلخ سہ باشد مصطکہ سہ باشد ماشہ انیسون خاص
 یک ماشہ نہ عصرا ن تحفہ چار سرخ و در روغن در تولہ ساینہ یک سہ ضما نمایند

باب الطار الملته

طلایی که باه را قوی و قضیب را سخت کند سنهاگه سه و نیم ماشه فلفل دراز هفت یا نه
یک عدد بول بز بقدر آب زهره هردو ادویه مالیت بار یک ساینج باهر و دوز را آخر
در کحل انداخته حل نمایند تا که قابل طلاء کردن شود پس طلاء نمایند و بعد یکس از
آب گرم شسته مجامعت نمایند طلایی که مخلوق را می افتد پیر شیرینه ماشه زهره شش
مغز پنبه دانه شش ماشه تریاک مصری یعنی افیون دو ماشه گوی سقید و دو ماشه هر دو ادویه
در شراب و دو آتش حله و نگاهدارند اول روغن خراطین با هر که باشد بزرگ مالیت بعد از آن
طلای را ادویه مذکوره ننود و بالاسی آن برگ تنبول گرم کرده بسته باشند هفت روز همین
عمل نمایند مجرب است طلای مقوی باه سنبلی پنج درم مسیه سائک پنج درم سافور پنج
پنج درم قصب الزیره پنج درم پنج سوسن پنج درم قرفه پنج درم راس خشک چهار درم
سیلین دو نیم درم عود خشک دو نیم درم مرصاف یک پاو درم قزقل یک پاو درم
مجموع را کوفته پیخته در آب بپزند تا حصه سوم بماند پس با روغن بنجد بپوشانند تا آب
بسوزد و روغن بماند پس غصص دشتی در شیریش یک شبانه روز بنجد بپزند بعد با یک
سوه در روغن معلوم سرشته سوامی حشفه طلای سازند ایضا دارند یعنی جمال گوشت
عاقه قرچا سوگند مساوی با عمل تا یک پهر صلابه نمایند پس بر پارچه باریک لایت نگاهدارند
وقت حاجت حشفه گذاشته بزرگ بپزند سه سحر بسته دارند بعد و آنگاه ایضا
جلق زره را سفید مغز پنبه دانه ماشه افیون قسم اول سه ماشه در شراب بنفشه
طلای ساخته بالایش برگ تنبول بسته دارند تا هفت روز ایضا بپوشانند باید که بهر وقت
بپوشانی کرد و عدد و لوکل احتیاط نمایند هرگاه از بخون پیر شوند جدا کرده فوراً بسیار در شراب
تند سائید و ضماد سازند و در موسم گرما و آفتاب و در موسم سرما فصل آتش نشسته حرارت
نار سازند هرگاه لفظ طشته و ضماد را با عانت پرکوتر جدا سازند مجرب است فلفل طلایی
که لفظ طارد مجرب است زلوی زنده یا زنده عود خراطین شسته خشک کرده نسبت بمقتضای
در روغن بنجد تازه خالص با پیچوشانند پس صاف کرده در شیشه نگاه دارند

حسب حاجت قدر می نیم گرم سوجالی قصب طلا سازند طلا می کنند و ذکر نماید و ایضا اگر
قصر باشد طویل نماید زلوده عدد در روغن زیتون سه چنانک پنجه اگر قصب طلا نماید
چهل نیکور کند ایضا زلوده یک نازیل که آتش نگرفته باشند اندک سرد می تراشید و جو
کند و در آن انداخته باز سرش محکم بسته تا هفت روز تا مل نمایند و چون برآورده ساینده سبزه
طلا نماید محسب طلا می که اگر قصب محض شود فریگرداند اول ذکر را چهار چرخش
چندان مالند که خوب سرخ شود پس زفت رومی در شراب ساینده طلا سازند و در
چند بار طلا می که خارش را مفید افتد قصبه یعنی رال شش باشد باریک سوده در تحا
سجول که آشته تو تپاسی کو بانی شده باشد زریق تر شش باشد افزوده روغن یا سمین چهار تول
با کلاب خالص نیم پا و قدر می قدر می که آشته چندان لغت دست دهند که روغن و کلاب
چهار جذب شود و اجزا منقح پس عطر موتیا یک شته مخلوط ساخته در ظرف صینی یا سفال
نگاه دارند و بکار برند ایضا تخم نالکس قدر می گرفته آب قلیل بر آن پاشید چندان که
تر شود در صره بسته خوب بوقت شب بر بدن مالیدن چندانکه روغن بیرون آید و چون خشک
شود باز تحمل نکون نمایند و صبح آب گرم بشویند بزودی زایل گردد ایضا رال قلمی یک
اول از آب شسته لعاب اسپغول نه باشد روغن سیب چهار توله افزوده بر دانه مالند
ایضا موم زرد و توله در روغن جنجیلی و توله در روغن گل یک توله که آخته کافور خالص
دو باشد سیب نه باشد افزوده در تحالی سجول سحقی بلنج نموده بکار برند ایضا محسب
تخم پیاز سه توله مس سوخته سه توله گوگرد زرد سه توله روغن گاو یک توله اجزا گرفته در روغن
مخلوط ساخته در ظرف آهنی با روغن گل چندان حل نمایند که رنگ او سیاه شود بعد از آن بر
دانه مالند طلا می استقلاط تولول بوا سیر کند بشیر طیکه اول و سه مرتبه بطول شیر گاو
نمایند و باز ضاد سازند بعد زمانی ضاد را در سازند و باز بطول شیر گاو نمایند و باز ضاد
سازند و همین کار عمل نموده باشند معطر نموده شش بار شسته و تخم بکائن شش بار شسته و حنظل سه
شیر که شش ازرق شش بار شسته سفید آب از زیر شسته شش بار شسته باریک ساینده روغن
در توله آب کاسنی بباریک توله آب عنب الثعلب بباریک توله اعصاب نموده بباریک

طلای سازه طلای که چون بر پستان زن گذارند پستاده شوند لجه لوسته داشته سنگنه
سه داشته در سرکه خالص ساینده هر روز سه بار بر پستان طلا کنند طلای که پستان سخت
کند کتفه چهار داشته قرصه چهار داشته صنم عربی چهار داشته پنج کنیر چهار داشته بسایند با سکه گاویش
طلا کنند تجرب است ایضا که اگر بر قصب طلا نموده مجامعت کنند جانین بر لذت در
نایضه الیک یعنی سنگنه آن مرغ یکا داشته طلع الح یکا داشته از آب دمان تر کرده
ساینده بر حشفه طلا ساخته مجامعت کنند

قال صاحب السیدی بوطلی الرحل شحم الحمام الابيض علی ايب
وقت الجماع ففتقنه امراته

یعنی گفت صاحب سیدی اگر طلا کنند در شحم کبوتر سفید بر قصب وقت جماع پس بپ
لذت بسیار زن عاشق او شود ایضا اگر بر طلا نموده مجامعت کنند زن زود تر
سنگین شود بپ لذت کافور خاوه یک داشته سها که یک داشته ساین بزرگ طلا کنند
ایضا سیاه و کافور ساین طلا کردن طلای که فرج زن را تنگ کند پینه دانه
و داشته دروغن در توله بچو شانند و طلا کنند طلای که علت ابد را بر طرف سازد شرم گوش
سخته باروغن زیت مخلوط نموده بر قصب طلا کنند و اگر شرم ماده اش را بطور مذکور بکار
موجب حدوث علت معلوم میگردد و طلای که منع اثبات نمکند شیر انجیر یکا شیه بیضه چرخ
یکا شیه کف در یکا داشته ترشی ترنج یکا داشته با هم مخلوط نموده موی را کنند بر همان
موضع طلا کنند با موی نر و طلا فی که قلع نایل کند مازوی بنزد داشته شب بانی بریا
یکا شیه تخم جبر و داشته کوفته بخته زبره گاویک عدد سه شته چند مرتبه طلا کنند فقط
طلای که اگر بر قصب طلا کنند در زن استن مجامعت نمایند استطاط حمل کند سداب خشک
نزد داشته نظرون دو داشته کوفته بخته آب سداب سرشته بر قصب طلا کرده مجامعت کنند

باب الطار الجمعه معوزت باب العین المهمله

عرق مجرب برای در توله ایچ کل منقبضه نیم باوکل نیلوفر نیم باو تخم نیم باو تخم خیار بن نیم باو

عنب اشکلب نیم پاؤ پوست بلبله ز پاؤ آثار پوست بلبله سیاه پاؤ آثار شوق و توله جاوشیر سه توله
تر و سفید شش و چهار توله انیسون نیم پاؤ غنچه گل سرخ نیم پاؤ سارنگی نیم پاؤ افیتون لایتنی نیم پاؤ
لبغلی پنج منقعی پاؤ آثار فلوس چن شنبه پاؤ آثار شش غنخل نیم پاؤ پنج غنخل نیم پاؤ مغز بیدانه انجیر پاؤ آثار مغز
کسطل چهار عدد در طم پاؤ آثار شکر سرخ نیم پاؤ پنج غنخل نیم پاؤ مغز بیدانه انجیر پاؤ آثار مغز نیم کسطل چهار عدد
فرطم پاؤ آثار شکر سرخ پاؤ آثار روغن بیدانه انجیر و شتی پاؤ آثار شبت آب یک من بخیسانند صبح
در ستود عرق شتی آثار کشنده عرق را بی حمی فرسته گل بیلو و دو توله گل نفیسه سه توله گل سیوتی توله
عنب اشکلب پنج توله شاخ و برگ گرسه توله تخم پاکک سه توله تخم خیار و لایتنی پنج توله تخم کاسنی پنج توله
تخم کاهوی هفتش چهار توله زرشک بیدانه پنج توله آوای بخار نیم آثار کنول گشته پنج توله شاهتره
سه توله تخم خرفه سیاه سه توله آله هفتش منقعی سه توله کشیز خشک توله تخم کدو پنج توله تخم ترتر
پنج توله کلهوی نیب نیم پاؤ ریزه کرده شب و عرق عنب اشکلب سه آثار عرق کاهو زبان چهار آثار
عرق بیداده سه آثار بخیسانند صبح آب ترتر نیم آثار آب عنب اشکلب یک آثار آب کاسنی سبز
یک آثار آب کدوی شوی نیم آثار آب نارنج نیم آثار آب رنگره پاؤ آثار آب نارنگی
ولایتی پاؤ آثار آب نارنگی و سی پاؤ آثار آب لیموی شیرین نیم آثار آب سبکهار ایک آثار
آب پیچیده مشونی نیم آثار آب تخته کیکل نیم آثار آب کشیز سبز پاؤ آثار برگ بیداده پاؤ آثار
اضافه نموده به دستور مشت آثار عرق کشنده وقت کشیده کافور خالص و ماشه دست گلو
شمش باشد طباشیر کبود یک توله در پوئلی بسته در دهن نیچه بیاورند عرق بر آغشتان
و حرارت خفیفه گل نفیسه نیم پاؤ گل بیلو فر نیم پاؤ گل سیوتی نیم پاؤ عنب اشکلب نیم پاؤ گاو زبان
گیلانی نیم پاؤ باد صندل سپید پاؤ آثار تخم شاهتره نیم پاؤ تخم پاکک نیم پاؤ تخم خیار و لایتنی نیم پاؤ
تخم کاسنی سه چشمانک تخم خرفه سیاه سه چشمانک تخم کاهوی هفتش نیم پاؤ آله هفتش منقعی
نیم پاؤ کشیز خشک نیم پاؤ خار خشک خود نیم پاؤ آوای بخار صندل و زرشک بیدانه نیم پاؤ تخم
کدو پیچیده آثار تخم ترتر پاؤ آثار غنچه گل سرخ نیم پاؤ برگ بیداده و دانه شب و آب گرم سبزه آثار
بخیسانند صبح راه انجیر شش و چهار ماشه مار القرع مشوی چهار آثار آب کاسنی سبز سه آثار
آب عنب اشکلب سبزه آثار اضافه نموده به دستور دانه آثار عرق کشنده عرق مصفی مع شتی

جمیع معال چشمانک آثار سپستان چشمانک آثار تخم شایسته چشمانک آثار شایسته
 چشمانک آثار قصب الریزه چشمانک آثار مدی چشمانک آثار بریدگی چشمانک آثار
 نیکنده چشمانک آثار براده چوب آبنوس چشمانک آثار براده چوب شیشه چشمانک آثار
 صندل سفید چشمانک آثار براده چوب چینی چشمانک آثار براده صندل سرخ چشمانک آثار
 برگ نیب چشمانک آثار گل نیب چشمانک آثار شرب چشمانک آثار گل بکام چشمانک آثار
 گل خنای چشمانک آثار برگ خنای چشمانک آثار گلاب چشمانک آثار گل نقشه چشمانک آثار
 گل سیوطی چشمانک آثار روح چشمانک آثار منی چشمانک آثار چخال چشمانک آثار چخال بول
 چشمانک آثار تخم خطمی چشمانک آثار کشنیزه چشمانک آثار اصل لوس قشر چشمانک آثار
 غلب شلب چشمانک آثار خا خشک خرد چشمانک آثار پوست بچ کاسنی چشمانک آثار تخم خرفه
 چشمانک آثار لومی بخار پایا و آثار شرب آب گرم بنجیانند صبح پیور عرق و در کشیدن بهره نه باشد
 طباشیر کبود کهربائی شمعونی نه باشد صمغ عربی نه باشد عرق گاوزبان نه باشد سباده و صرته
 و در بن نجیه بایزند فقط عرق مهی و همسک گل بیدانجیده و در تخم بیدانجیده و در تخم کلونجی
 و در تخم ترب و در تخم کند و در تخم حله و در تخم ناخواه و در تخم کف و در تخم رازانه و در تخم ورم
 بیخ وخت سیخ و در تخم و در کوفت شنب آب بنجیانند صبح پیور عرق کشنی و قیاقه و کرب و کرب
 بلخ اندانی نیم آثار خلک بنجیانند که بریزه بریزه کرده و طیف سفال نموده بر آتش بپزند و بیخ وخت
 بر تخم زنده که سرخ شود و صندل و بیدانجیده که بریزه کرده و آب موافق حله و با گل گنده که این یک یک
 تخم کوزه قیل و خرد و ساقه بر آفتاب یا قریب آتش خشک کنند باریک شود عرق کنند و بکار بر آید
 و در عرق نماده باشند سرش آهک بسته دارند و الا خوف استماله که بهر است سبب افش
 عرق شیر نافع برای امراض طارعه و حاره گل نقشه و توله گل نیلوفر سب توله گل سیوطی سب توله
 غلب اشلب پنج توله تخم مالک نه توله تخم خیابنج توله تخم کاسنی پنج توله گل کول
 پنج توله باد آورد و توله ابر شمش خام سب توله گاوزبان و توله غلاب پنج توله تخم زنبیلی
 سب توله تخم کد و پنج توله تخم ترب و پنج توله خشخاش سفید پنج توله طباشیر کبود سب توله
 زعفران تخم شمش باشد شب و عرق گاوزبان سب آثار عرق غلب اشلب و در آثار

عرق بید سوده آمار آب خالص و آمار بخندان صبح آب تریز با آمار آب عنب اشلب
 با آمار آب که دی شوی با آمار آب بیطه شوی و آمار آب پاک بنر با آمار آب که کیلا نیم آمار آب انار شیرین
 نیم با آمار آب لمبوی شیرین نیم با و سیب ریزه کرده پنج عدد شیر الاغ سدا آمار اضافه نموده
 بدستور عرق کشند کافور خالص چهار ماشه در صره بسته بدین نیچو بیاورند و اگر شیر الاغ
 بدین نیچو شیر زبانی است عرق شیر زرشک بیدانه پنج توله عذاب سیجاده دانه سپستان
 و دمنده اند تخم کاسنی پنج توله سبیل طبیب توله شاه تره پنج توله گل سرخ پنج توله
 گل نیلوفر پنج توله عنب اشلب پنج توله گاوزبان گیلانی پنج توله کشنیر خشک پنج توله
 ایکه متشتر منقعه پنج توله تخم کاهوی متشتر پنج توله تخم کدو پنج توله صندل سفید پنج توله
 صندل سرخ پنج توله تخم خیارین پنج توله برگ فرخشک و لایبی پنج توله کاسنی
 پنج توله معتر تخم تریز پنج توله تخم خرفه سیاه پنج توله گلوی سیب ریزه کرده ده توله برگ کنیر
 ده توله بادرنجبویه سده توله نخ کیلا بست توله شب و آمار گرم بخندان صبح آمار کاسنی
 نیم با آمار مالک بنر نیم با آمار خیار شوی با آمار آب که دی شوی با آمار آب که کیلا نیم
 و آمار آب عنب اشلب بنر با آمار آب بیطه شوی با آمار آب لمبوی شیرین نیم با
 آب تنه گیلانی با آمار آب سبب چشماک آمار آب به چشماک آمار آب ناشپاتی
 چشماک آمار آب رنگی سی چشماک آمار آب رنگی لایبی چشماک عرق کور نیم آمار آب که نیم با و
 شیر زبانی یک آمار اضافه نموده بدستور عرق کشند وقت کشید کافور خالص چهار ماشه
 اباشیر کبود یک ماشه در صره بسته در دهن نیچو بیاورند و ایضا تخم کاسنی پنج توله براده
 صندل سفید پنج توله زرشک بیدانه پنج توله تخم بارتنگ پنج توله گلوریزه کرده پنج توله
 شب و آمار گرم بخندان صبح آب که دی شوی و آمار آب کشنیر بنر و آمار شیر الاغ و آمار
 اضافه نموده بدستور عرق کشند وقت کشید کافور منضوری دو ماشه مشک خالص دو ماشه
 عنب اشلب یک ماشه در صره بسته بدین نیچو بیاورند و ایضا شیر زبانی و عرق نیلوفر
 یک آمار عرق بید سوده یک آمار عرق گاوزبان یک آمار عرق کوه یک آمار عرق
 صندل یک آمار خیار شوی یک آمار آب که دی شوی یک آمار آب انار شیرین

آب کبر و یک آثار آب پسته یک آثار آب هندوانه یک آثار آب لیمون شیرین نیم آثار
گل گاوزبان چشمانک آثار گل سیبونی چشمانک آثار صندل سفید چشمانک آثار کشمش خشک
دو توله تخم خرفه سیاه دو آثار تخم خیارین نیم باورگ سید ساه نیم باورگ کل نیلوفر نیم باور
تخم کاسنی چشمانک آثار پوست پیچ کاسنی چشمانک آثار گلوی نیب ریزه ریزه کوه چشمانک
آثار باد آورده چار توله خاکسی چار توله بدستور عرق کشند فقط الاضطراری حی مرزنگه
مع ورم طحال باشد مغز تخم که و چار توله مغز تخم هندوانه چار توله غناب پنجاه دانه طباطبائی
کبود چار توله تخم خرفه سیاه پنج توله تخم خیار و لاتی نه توله باد آورده چار توله شکامعی
چار توله غنچه کل سرخ چار توله قصب الزریه چار توله شاخ و برگ گزنه توله پوست پیچ
چار توله براده صندل سفید چار توله بسفاج فستق چار توله آب غناب لشب سبریک آثار
آب کاسنی سبریک نیم آثار آب بارتنگ سبریک آثار آب انار شیرین یک آثار آب
لیمون شیرین نیم آثار گلاب خالص نیم آثار عرق کبوتر نیم آثار عرق خا خشک خرد یک آثار
شیرین سفید آثار بدستور معهود عرق کشند عطر ارجمه که بسیار خوشبوست عود عرقی
یک آثار پنج بنفشه یک آثار صندل زرد یک آثار پوست نارنج یک آثار خضر شبنم یک آثار
صندل سفید یک و باو آثار شکوفه نارنج هشت توله قاقله صغارشست توله سنبل طباطبائی توله
چهر یله یک توله لباسه یک نیم توله با حبه شش باشد زعفران یک تله لاون دو ماشه غنچه
دو ماشه اول خسهار براده نموده لاون و غنچه آب بنفشه کشته بطریق متعارف با گلاب عرق کشند
و باز سرد نموده عطر بگیرند عطر فستق سه میله سائله یک توله مشک خالص یک توله
حب الحلب سه توله سعد کوفی سه توله قاقله صغارشست توله قرفل سه توله پنخ از خرملی سه توله
سیاه فوج هندی سه توله ریحان حبشی سه توله فرنجشک لاتی سه توله ریحان سبرینه توله
زرنیک یک توله پوست نارنج یک توله جوز بویاک توله سیلونی یک توله شنه یک تله که با حبه
یک توله سنبل طباطبائی توله گلاب خالص پنج توله کافور مخصوصی شش ماشه کل سیبونی نیم آثار
گل سنجید یک توله گل موتیا چار توله صندل سفید نیم آثار عرق بهار پنج آثار بدستور عرق کشند
عطر بگیرند سه میله عرق بهار کنایه از عرق گل آقحوان بنفشه است که گل آن زرد میباشد

و در در شال کل بابونه کوفته است که کل بابونه بجز نیست و تخم دارد و بخلاف این که بجز است
و تخم ندارد و عطرها و عواید صندل سفید است آمار و سداب و عود و سیاهی یعنی اگر با و آتش چند
نیم از سبیل بوی یک و نیم تو که بسیار یک و نیم تو که سبیل الطیب و دو تو که شسته یعنی چهار یک تو که
پنج شسته یک و نیم تو که انظار الطیب یعنی یک و نیم تو که پوست نارنج یک و نیم تو که حب
یک تو که شسته چهار تو که مشک خالص و تو که کافور نیم شسته زعفران یک ماشه خود
اگر سه تو که گلاب بطریق معروف کشد و عطرها بگیرد عطوسه که خطا از راز دماغ کشد و اراضی بارده و شام
را مصلحت است که شش و دهانه کلو نجی دو ماشه فرنیون دو ماشه جدید سرد و ماشه حب
و دو ماشه عاقر قرحا دو ماشه بوره ارمنی دو ماشه کوفته بختی قدری قدری ناس گیرند
ایضا شش مظل سه و دم قفل سیاه سه و دم اسطوخودوس سه و دم کندش دو و دم کوفته بختی
قدری قدری ناس گیرند ایضا قبا کوی خوردنی سه ماشه کندش دو ماشه عاقر قرحا دو ماشه
جواد شیر یک ماشه و حبیب یک ماشه کوفته بختی قدری ناس گیرند

باب الغین المجمع

غرغره که سقوط اموات را نافع باشد گلاب فارسی نه ماشه شب یمانی سه ماشه مازنی
نه ماشه حب الالاس نه ماشه پوست انار نه ماشه در آب تازه نیم آمار جو شاییده صافی نموده
نیم گرم غرغره سازند غرغره که نقل لسان را نافع باشد زنجبیل چهار ماشه عاقر قرحا نه ماشه
و اقل نقل نه ماشه ابرسان نه ماشه مرزنجوش نه ماشه در آب تازه نیم آمار جو شاییده صافی نموده
نیم گرم غرغره نمایند غرغره که قروح خلق را نافع آید کاغذ سوخته سه ماشه شب یمانی بریان
مازنی نه ماشه عذبه نه ماشه گلاب نه ماشه در آب تازه نیم آمار جو شاییده صافی نموده نیم گرم
غرغره نمایند غرغره که حبش لالت کند عتاب هفت دان پستان سبت و آن کل نقشه
نه ماشه و تخم خطمی نه ماشه گاو زبان گیلانی نه ماشه تخم خیارشمی نه ماشه غلب ثعلب ماشه بذر البنج
کوکنایه کلان دو عدد در آب تازه نیم آمار جو شاییده صافی نموده یک گرم غرغره نمایند
غرغره که بر لبی خنثی نافع باشد گل نقشه نه ماشه تخم خطمی نه ماشه غلب ثعلب نه ماشه
تخم خیارشمی نه ماشه گاو زبان گیلانی نه ماشه گوشت ارکان دو عدد و کل غرغره نه ماشه

در آب نان نیم آرد جوشانید آب برگ قوت پنج توله اضافه نموده نیم گرم غرقه فاسد
 عنبر که رنگ در اصدان و شفاف گرداند پوست تخم مرغ یک شاکل سیوتی یک شاکل حسن
 یک ماشه خشک سفید سه ماشه سفید کاشغری دو ماشه پوست رنگره یک ماشه مغز تخم زرد
 شش ماشه آرد جو دو ماشه تخم خرده سیاه دو ماشه تخم شامه دو ماشه صندل سفید دو
 صندل تخرخ دو ماشه مغز تخم که و شش ماشه ماده گندم شش ماشه صندل مروارید سه ماشه
 مغز تخم پیچیده شش ماشه پوست سیب دو ماشه پوست پیاز و سبزه نعنی بر دو ماشه
 آرد قرنج سه ماشه انظار لطیب دو ماشه استینه دو ماشه تخم خرزه شش ماشه کوفته بجنیه
 باب دروغ بقدر موافق حل کرده بر رواند و بعد و کهری از آب گرم بشوید ایضا اگر آرد سیاه
 را بر حسن پوست دو ماشه استخوان جیل دو ماشه استخوان رین دو ماشه سیوتی دو ماشه زرد کهر
 دو ماشه مغز تخم خرزه سه ماشه براده صندل سفید دو ماشه باریک ساینه در آب لیموی کاش
 حل کرده بر داغ بماند ایضا که روی سفید و براق گرداند اگر رنگ تیرگی پیدا شد با آرد جو
 سه ماشه باغلا سه ماشه کیر سه ماشه فشا سه ماشه شش ماشه تخم ترب سه ماشه کوفته بجنیه بشوید بر رو
 ماند و صبح باب گرم و سیوتی گرم بشوید

باب الفار

فلاقلی در موضع و شهوت کلیی مانع باشد و باو مای غلیظه را دفع کند و هضم طعام کند فلفل سی
 و ا فلفل سی درم حب بلسان سه درم حماد و درم سنبل لطیف درم نیم بیل کینم تخم کرفس و درم
 سیلخه یکم اسارون یکم م راسن یکم کوفته بجنیه با سه وزن آن غسل مصفی تیا میانه قدر
 معجون سازند مقدار خوراک سه نیم ماشه آب گرم فود بخور و معجون و جگر که سبب آن برود
 باشد دفع کند و تب ربع و حیات کند را سود دهد فودنه کوهی دوازده درم سیسالبوس
 دوازده درم فطر اسالبون دوازده درم تخم کرفس چهارده درم بابونه چهارده درم حاشا
 چهارده درم فلفل سیاه چهل و چهار درم کوفته بجنیه با سه وزن آن غسل مصفی تیا میانه قدر
 شربت سه و نیم ماشه آب گرم شربت که اگر بکار برند و رانده بکارت زن اگر چه بسیار
 کم سن باشد مشکل نفقه وزن او جمع بالکل معلوم نشود و نمک اندازی سه و نیم ماشه در غسل

و زود سخن گاو گشته باشد منفرج نموده فرزند سازند فرزند که فرج زن آنگاه گدازد و فعل کل نهاد
پوست و زشت کنار دشتی مساوی الودان همه دوید جدا جدا ساین باینیزند و بطریق شیان در
فرج نموده نگلی آرد و بزودی از آب گرم بشویند که خوف انسداد و سوراخ فرج است فرزند
که حیض براند غسل خالص شستن باشد صدق مراد بدست داشته قوه الصنع برود اجزاء را بر سر ساین
بجمل آغشته بدست و فرزند سازند ایضا جو الکهار و داشته پنج بنفشه دو داشته کوفته بخفته آب
برگ چغندر برشته با پاکک بدست و فرزند سازند فرزند که منع حیض ناید و بر آبستن معین باشد
به یکی یک شمشاد قاقیایا شمشاد سوخته یک شمشاد یانی بریان یک شمشاد افیون خالص پنج سرخ
که غشیه بنیمه آب بارنگ برشته بدست و فرزند سازند فرزند که حیض براند استان دو داشته
حما قرصا دو داشته جاو شیر دو داشته فرغون دو داشته سعد کونی یک داشته حنظل مندی یک داشته
بدست و فرزند سازند ایضا فرزند چهار داشته اجمل سه داشته حویثقی پنج عدد و در هر
یک عدد و سرشته بدست و فرزند سازند فرزند که منع حیض ناید گنار فارسی داشته لحیثیه
یمنی ریشه برگردو داشته کاغذ سوخته سه داشته شب یانی بریان یک شمشاد مارو می سرخ دو داشته
کوفته بخفته آب بارنگ برشته بدست و فرزند سازند حکمت صاحب اخبارات بدست
که اگر زن فرزند جنطیانا می می پیمان بید و نور معلوم برود حیض بند نشد جاری گردد
و اگر آبستن باشد بچه بپزند و اگر دانی کور بخاششته بروست بندد و بالعکس عمل کنند
یعنی خون باز آید و اند اعلم بالصواب فقط

باب القاح

قصر طبع یا شیر قاض و بسیار می سخن که مع الحمی باشد استعمال نموده می آید طباشیر کبود
و دوله کل ارمنی و دوله صمغ عربی و دوله تخم حاض بریان سه دوله کل سرخ سه دوله
حب الاس و دوله زرشک بیدانه و دوله شقاق یک و نیم دوله میره اکبوزید و بخلاب سرشته
و صحن ایساند و بوقت خواب استعمال کنند صاحب حال را فیض قصر طبع یا شیر طبعین
باشد و که مع قبض طبع باشد استعمال نموده میشود طباشیر کبود و پادرم ترنجبین خراسانی
سه و نیم مغز تخم خیارین یک و نیم مغز تخم که دمی شیرین یک و نیم نشاسته یک شمشاد فارسی

بکدرم کمتر ایک درم بلعاب اسفند یا بجدانه اقراص سازند بدستور مذکور استعمال نمایند
قرص کهر باربی ترف الدم و نفث الدم کهر باربی شمش پنج درم بسیدخ درم و از بدست
 پنج درم تخم خرفه سیاه پنج درم شمش گوزن سوخته سه درم پوست بقیه مرغ سوخته سه درم
 صمغ عربی سه درم کشیز خشک شش درم شمش سفید و درم خشک شمش سیاه شش درم و درم سوخته
 و درم بنده البیج سفید و درم کوفته بخیه بلعاب بز قطونا اقراص سازند **الصف**
 برای دل الدم کهر باربی شمش سه درم صمغ عربی سه درم نشاسته سه درم کهر باربی سه درم تخم خیار
 سه درم تخم کدو سه درم کلنا فارسی نیم درم افاقیا نیم درم کوفته بخیه بلعاب بز قطونا اقراص سازند
قرص انجبار برای اسهال و موسی و حبس خون بوسید و افراط طم و نفاس کل ترف الدم
 و نفث الدم سفید پنج انجبار چهار درم کل شترخ سه درم صمغ عربی سه درم کهر باربی سه درم تخم سیاه
 سه درم کلنا فارسی سه درم نشاسته سه درم کل باونی دو درم بسید و درم طباشیر کبود و درم
 رب اسوس و درم افاقیا و درم کوفته بخیه آب بارنگ سرشته اقراص سازند **انجبار**
 محصول برای نفث الدم صمغ عربی دو درم حب الاس دو درم دم الاخوین دو درم طباشیر کبود
 و درم کهر باربی و درم کلنا فارسی دو درم تخم خرفه سیاه دو درم افاقیا و درم طین بصره و درم
 کوفته بخیه بلعاب یا اسفند سرشته اقراص سازند و در سایه خشک کنند **قرص**
طباشیر کا فوری که در می وقت و حمیات حاده استعمال بیند طباشیر کبود سه درم
 غنچه گل شترخ سه درم صندل سفید سه درم تخم خیارین سه درم تخم کاسنی سه درم تخم
 خرفه سیاه سه درم تخم موسی قوشر سه درم کافور خالص محصود و داشته دو درم سرخ زعفران تخم
 شمش سرخ بلعاب بجدانه یا اسفند یا آب سیب یا آب برگ خرفه سرشته اقراص سازند
 و در سایه خشک کنند و گاهی در شدت ضعف مروره مجلول هم اضافه می نمایند **قرص**
 برای ادر خون حیض که بند شدن باشد و هم برای ادر خون نفاس اگر کمتر آید هر یکی سه درم
 ترمس پنج درم سد اب پنج درم دودخ دو درم قند و دانه و درم مشکطرا مشیم قوه البیج
 و درم حلیت و درم جاذب شیر و درم کوفته بخیه باقی که در و اهل چو شایند باشند شتر آفرین
 سازند **قرص سل** هم الاخوین یک ماش کلنا فارسی یک ماش افاقیا یک ماش

خشک شدن سفید و دانه گل ارمی یک ماشه تخم میوه یک ماشه کبریا شمع یک ماشه
 کبریا یک ماشه مصطکی دو ماشه کوکند یک ماشه تخم خلیج یک ماشه آرد غناب یک ماشه گلاب
 یک ماشه کوفته بخیه بلعاب اسفند افراسن از نیا ایضا برای سبب گلاب و زبان یک ماشه گل ملانی
 یک ماشه گلاب فارسی یک ماشه سرطان محرق یک ماشه شب سبب یک ماشه مرورید محلول یک ماشه
 دم الاخین یک ماشه گل ارمی یک ماشه شادنج عدسی یک ماشه بودار محرق یک ماشه صمغ عربی یک
 کثیر نیم ماشه لب اسوس نیم ماشه شکر تغال نیم ماشه کبریا شمع یک ماشه نشا هفت یک ماشه
 ریشه برگ یک ماشه گل بول یک ماشه بنج مرجان یک ماشه جان مرغ کما فی بارنگ بدستور افراسن
 سارند طریق احراق سرطان اینکه سر و پا بریده و آب و خاکستر خوب انگور و کمال
 با هر که ازین تیسر آید خوب شسته و باز آب صاف شسته و کل حکمت نموده در گلخن یا تنور انداخته
 خوب دستور بر آورده استعمال نمایند و اولی است که ماده باشد نه نشو ناخت ماده و زرا اینک
 بشت ماده سوزن زنند آب سفید سرون آید بخلاف نر و درین شهر مشهور است که ماده
 جلد شکس غلیظ و عریض میباشد که آنرا انگور نامند و در زیر بالعکس قطعه طریق غسل شادنج
 باید داشت که غسل شادنج باینطور نمایند که اول آنرا چهار پاس ص لایه نمایند بعد آب بر آن
 گذاشته قریب چهار پاس جامی محفوظ بدارند بعین آب آن طریق ریزند که شادنج
 همراه آب فروزد و همین طور مرتبه عمل نمایند طریق غسل لاجورد هم همین طریقت
 و اکثره شیار که در آن حبیب باشد طریق حل ساختن مرورید نیست که مرورید
 ناسفته را در طریقه کراپس کرده در آب لیون چندان گذارند که چون مسکه شود پس
 منظره از دست بماند تا اینکه مرورید از خراطیه بگذرد پس در کاسه چینی کرده بگذارند تا
 نشین شود پس آب لیون از رویش دور کرده در آفتاب خشک سازند و باره چهره بگذارند
 و بکار ریزند و اگر با گلاب در کمال انداخته مثل غبار ساخته بکار برند مضائقه ندارد
 قطره که اگر در گوش چکانند و نج تا که لب بر باشد تسکین دهد و تجلی نماید غسل خاص
 یک تریه در آب برگ نیب مروق مخلوط نموده نیم گرم قطره سازند نقطه ایضا
 هرگاه طبع سرد باشد قطره عصاره اش نیم گرم غلیظ قطره که در گوش جاری است تسکین دهد

و روغن گل ماشه سرکه خالص شش ماشه مخلوط نموده نیم گرم قطور سازند **الفصل**
 ششایف ابغض و گوش چکانیدن مفید قطور که گرم گوش را بکشد آب برگ شفا لو یک تولد آب برگ
 ترب یک تولد پودینه شش ماشه خریق سفید شش ماشه فستقین شش ماشه کوفته بخت
 با نهانی مذکور مخلوط نموده غلوطه بسته در سایه خشک کنند وقت ضرورت آب برگ شفا لو
 یا دیگر آب ساسی مذکور بسایند نیم گرم و گوش چکانند قطور که گرم گوش را ببرد و ابغض
 و ده گل بابونه سته ماشه اکلیل الملک سته ماشه تخم خطمی سته ماشه فزنجوش سته ماشه جمل سته
 سته ماشه تخم ترب سته ماشه باد بجنوبه سته ماشه اسطوخودوس سته ماشه و آب انار دو انار
 وقتیکه حصه حمام بماند و روغن گل سته تولد اضافه نموده باز بر آتش نهانند و حقیقه آب بسفوف
 و روغن بماند از آتش فرو آرند و بوقت حاجت نیم گرم استعمال سازند فقط قاعده
 باید که در چشم و گوش ادویه نیم گرم اندازند زیرا که اینها از اعضائی فکری اند پس از آن
 حرارت و برودت سازد می شود فقط و الله اعلم

باب الکاف

کافور برودت معده و تولید ریح و ضعف هضم و امراض بارده را مفید زیرا که کافور می ببرد
 پیچاه درم فلفل سیاه پانزده درم تخم سیب سبب درم سداب سبب درم بون ارمی پنج درم
 عمل مصفی پنج چشماک کوفته بنجیه عمل را جوش داده و رغو آن در نموده ادویه مذکور شسته
 بدستور معجون سازند مد بر نموده و آن را در سرکه باینطوری که آذانه شبانه روز در سرکه محلول انگوری
 بنجیدانند بعد بر آوری بر تابه بخارده بر آتش بکشد نهانند که خشک شود و پس به کار بر فقط
حل برای سیلان دم مع و ضعف بصر مفید سته ماشه اصغمانه سته درم قریشی سته ماشه
 اقلیم محو فیهی یک درم سافج هر یک یک درم حنظل هندی یک درم مامیران چینی یک درم
 قوی یک یک نیم درم در جان سدر یک درم لاجورد محلول یک درم سافج محلول یک درم
 فلفل سفید یک درم دار فلفل یک درم کافور بخار صغیر یک درم ورق طلا یک درم ورق نقره یک درم
 سخی بلخ نموده مثل عصار سازند **حل** برای تقویت بصر سنگ بصر شش ماشه
 مامیران چینی شش ماشه چرک طلا شش ماشه مروارید سته شش ماشه فلفل سیاه شش ماشه

تیج پھل چار ماشہ چاکو شمش ماشہ اوویہ در سجاسے جست انداختہ و دروز آب برگ خضار جرب
 کھنڈل ساخته سبز شک یکت لہ ماشہ روز با گلاب حل کنند بعد چندر روز نگاہ دارند تا مزاج
 گیرد پس در چشم کشند فقط محل الجواہر سبزہ اصفہانی و دو درم قریشیا فضی و دو درم قلمیاضی
 و دو درم سافج ہندی یکم م مروارید ناسفتہ و دو درم خضض ہندی یکم مسک یکت شہ عطر
 نیم درم و امیران چینی نیم درم یا قوت سائیدہ و دو درم ورق طلا سائیدہ یکت شدہ بدستور محل جانہ
 محل ای جیس و مع و قطعہ بیاض چشم و صنف بصر بہرست برادہ جست بہر یک تولہ
 پارچہ نیم نموہ حق بلع نمایند کہ چون سبز شد بعد شب یانی بریان و تولہ سبز اصفہانی دو تولہ
 باہم مخلوط نمودہ یک پاس محل نمایند کہ چون غبار شود پس بکار برند کلنج با کاف الفارسی
 کہ ہندی بنیدی نامند براسی دفع رطوبات رحم و غیرہ کہ اکثر زمان عارض میشود و مفیدست
 صمغ عربی شش ماشہ در روغن رزد گاو بریان نمودہ صمغ عربی شش ماشہ گل پستہ شش ماشہ گل
 فوغل شش ماشہ مازوی کشیدہ شش ماشہ قشہ بیض حرق یک تولہ سمندر سوکھ شش ماشہ
 بیج بند شش ماشہ سرانی شش ماشہ شش ماشہ مال یکمانہ شش ماشہ کار اسینگی شش ماشہ
 خارشنگ خرد شش ماشہ پھلی ببول شش ماشہ کوفتہ بخیمہ صاف نمودہ نگاہ دارند و اگر
 پنج تولہ بریان نمودہ شکر سفید پنج تولہ آمیختہ عرق کیوڑہ و دو تولہ اضافہ نمودہ اوویہ انداختہ
 بدستور کلنج سازند ایضا براسی دفع رطوبات مذکورہ فوغل با پانار بار یک کوفتہ در
 شکر گاو تازہ یک آثار بچوشانند و حل نمایند تا شال کھودہ شود پس شکر سفید یا قند سفید
 نیم آثار آمیختہ باز حل ساختہ نگاہ دارند و بکار برند قدر خداک پنج تولہ ایضا مجرب بہر شیخ
 رطوبات حمیہ چنیا گوند یک تولہ بیج بند شش ماشہ لودہ کوہی شش ماشہ سمندر سوکھ
 شش ماشہ عذریہ شش ماشہ کرنازج شش ماشہ کھیلی شش ماشہ حب ماشہ شش ماشہ
 کرکس نہ ماشہ پلنگ تولہ شش ماشہ گل وھاوی شش ماشہ گل فوغل و دو تولہ گل پستہ
 نہ ماشہ فوغل نہ ماشہ مازوی سبز خرد و دو تولہ جاففل یک تولہ جاوتری شش ماشہ
 کھنڈ دریا شش ماشہ سگھری ببول نہ ماشہ مولسری خام و دو تولہ گوکھر و کلان نہ ماشہ
 چنگہ احت نہ ماشہ پادہ ولایتی نہ ماشہ بادام چھانک آثار کشمش نہ ماشہ تولہ خرمچھا ناک آثار

گاوزبان گیلانی سه ماشه کوفته بخته با شربت خشخاش لعوق سازند و قدری قندی بلیسته بپزند
 را می سل سرشیم با می سه ماشه در آب گرم دو توله حلکوه قند سفید و دو توله اضافه نموده و در
 قند بپزند و اگر بجای آب آتش جو یا شربت خشخاش یا شربت بخته با شربت سرشیم
 بپزند سل گاوزب سفیدی و دوسرخ را و السلطان و ماشه با شربت خشخاش نه ماشه سرشته
 و سه کله لیسین بپزند سرشیم با می سه ماشه در عرق گاوزبان یا نیلوفر حلکوه بپزند فقط
 حلکوه که تیره بد و ناخ کند و خواب آور و دوسرخ هم که دسه ماشه تخم خرفه سیاه سه ماشه تخم
 تربزه سه ماشه گل نقشه سه ماشه تخم میچنه سه ماشه تخم مرغ خشتوشه ماشه کافور خالص
 چهار سرخ صندل سفید سه ماشه گل نیلوفر سه ماشه در آب خیار تازه و دو توله دسه که خالص توله
 ساین عطر خن یک ماشه عطر کیوی یک ماشه عطر گل یک ماشه عرق کیوی یک توله
 اضافه نموده بدستور تخم سازند و بویانند لبوب که گرده را قومی کند و میانی بپزاید و باه را
 قومی شد و سرشته سه توله مغز حب الزله سه توله مغز گردگان سه توله بهمنین سه توله سعد کوفی
 نه ماشه تخم گداز یک توله خدیجه اشک یک توله مغز حلکوه سه توله با جیل تازه سه توله مغز خشک
 خانگی چیل عدد لسان العصار شیرین شش ماشه مغز بادام شیرین نه توله خشخاش سفید سه توله
 خولجان شش ماشه جبهه انخضیک توله اسپت شش ماشه زنجبیل شش ماشه تخم بلبلون شش ماشه
 مصطلک و می ماشه فلفل سیاه و فلفل باشد عقران نه ماشه تو درین چهار توله و اشک بصر می توله
 جوز بو ایک توله لب با سه نه ماشه کوفته بخته غسل مصفی سه وزن و میاده افزوده و درق افزوده نه ماشه
 و درق طلا شش ماشه حلکوه عرق کیوی و پنج توله اضافه نموده دریم برجم ساخته بدستور لبوب سازند

باب المسم

معجون چوب چینی برای امراض سودا و عیش به معنی پنج توله چوب چینی شش توله
 صندل سفید چهار توله طباشیر کوبه و دو توله زنجبیل سه توله پوست بلبله زده چهار توله و
 پوست بلبله کاملی سه توله بلبله سیاه سه توله آله متشر منقی سه توله ترب سفید شش توله و دو توله
 گاوزبان چهار توله قند سفید سه و نیم با و شربت انارین سه و نیم با و قند را اول قوام ساخت

بعد از آن شربت انار بن اصفانه نموده بدستور معجون سازند بدشته خوب بید حلاوت و همند
 معجون عیش برای امراض سوداویه شبیه مغربی پنج توله غنچه گل سرخ پنج توله بسفنج
 شسته پنج توله صندل سفید سه توله صندل سرخ پنج توله سنار کلی پنج توله کوفته پیخته با سبزه چیدن
 عمل مصفی بقوام آورده در جو گاه درازند بعد از آنکه سرش محکم بسته باشند و قداد و اشتن
 حسب دستور اطر فیصل است معجون کاکنج برای سوزاک سفید کاکنج کبکست و پنج عدد
 بذر البیج سفید هفت و آنهم که در هفت و آنهم از زایانه هفت و آنهم مغز تخم خربزه سه و آنهم تخم حنا
 سه و آنهم انیسون خالص سه و آنهم مغز حلیفه زده سه و آنهم مغز بادام تلخ بریان سه و آنهم قندق سه و آنهم
 زعفران دو نیم و آنهم کثیر اهار و آنهم کوفته بخت شربت شفاش سه وزن ادویه سرشته بقوام آورده
 معجون سازند معجون متمسک برای سلس البول و سیلان مذی منی کهر باسی شیمی
 یک مثقال بلبله سیاه و دو مثقال پوست بلبله کابلی و دو مثقال اول این ادویه را در روغن زرد
 گاو بریان نموده بعد کات سفید یک مثقال جفت بلوط و مثقال فشار کند نیم مثقال
 شسته پنج چهار مثقال حب الاس چهار مثقال حصیه الثعلب یک مثقال میوز منقی شش مثقال
 کوفته پیخته به گلاب بپزند پس ادویه سابق افزوده سرشته در جو گاه درازند هر روز و در تمام
 معجون مینوی اگر کسی از ضعف باه بر جماع قادر نشود بعد استعمال این قادر شود کند شش مثقال
 سعد کوفی سه مثقال ریح سه مثقال قرفه سه مثقال خولجان سه مثقال جوز بواج پنج عدد بخیل
 سه مثقال فلفل سیاه سه مثقال دار فلفل و مثقال قرفه و مثقال ثعلب مصری هفت مثقال
 کباب چینی و مثقال سیاه سه و مثقال یوز بیان و دو مثقال ادویه کوفته پیخته با یک ساییده
 پارچه بپزند نموده شعله خالص سه وزن ادویه افزوده بقوام آورده بدستور معجون سازند
 معجون حجر الیهود برای سنگ گرده و شانه مغز تخم کدو یک نیم توله مغز تخم خیار یک نیم توله
 مغز تخم خربزه یک و نیم توله کاکنج یک نیم توله حجر الیهود کشتش تو کد کوفته پیخته با سبزه چیدن
 عمل مصفی بقوام آرد و خوراک از هفت مانده تاده باشد معجون عقرب برای سنگ ده
 و شانه بیدیل است خاکستر عقرب ده مانده و در سرخ خطیان مانده و شش سرخ و بخیل
 سه و نیم مانده فلفل سیاه هفت مانده و از فلفل هفت مانده حب کاکنج یک نیم توله چند بیدستر

چارده ماشه کوفته پیوسته باشد چندان غسل مصفی بقوام آرد و نذر آرد اگر بچوان از سر سرخ نماند
 و تریاکی که کوفته و بن عقیق لبیده شکل امراق سرطان است معجون جنبش است در دیهرا
 دفع رطوبت منج و جوده بضم جنبش الحیدر بدرده درم هلیله سیاه دره درم آله مقشره منقوی دره درم
 بلبله دره درم فلفل دره درم سعد کوفی دره درم سیلخه دره درم بلبله الطیب دره درم حبس بلبله دره درم
 شیطون منقوی دره درم بادیان یک تو له انیسون سه درم ششم شبت پنج درم کوفته شبت
 صفای نمرده بروغن بادام شیرین چرب نموی غسل مصفی سه وزن ادویه افزوده بدست چوب
 کشت داده عسبر خالص یک درم افزوده بدستور معجون سازند در جوگاه دارند ایضا
 جنبش الحیدر در بر پا و آثار فلفل سیاه چهار درم و فلفل سه درم حبس بلبله سه درم انیسون سه درم
 پوست بلبله کابلی یک تو له آله مقشره منقوی یک تو له بلبله سیاه یک تو له بلبله گل سرخ یک تو له
 بادیان یک تو له زعفران دو درم و ارجینی چهار درم غسل مصفی سه وزن ادویه سیاه دره درم
 معجون سازند و تریاک جنبش الحیدر مثل تریاک گرامی است که در باب الکاف تحریر شد
 معجون آله مضره منقوی آله مقشره منقوی چشمانک آله کشنر خشک چشمانک آله کشنر
 شش ماشه تخم خرد سیاه چشمانک آله طباشیر کبود چشمانک آله کوفته بنیه شربت انارین
 هم چند ادویه آمیخته ورق نقره و دماشه ورق طلا یک ماشه افزوده حلاوه بدستور معجون سازند
 معجون مصلحی آب فلفل دشتی چهار تو له شیر گا و دو تو له فانیله چهار تو له آتش زم چوبین
 تا بقوام آید پس کبابه ماشه بهمنین سه ماشه شتاقیل مصری سه و نیم ماشه فلفل سه و نیم
 و ارجینی سه و نیم ماشه سیاه سه و نیم ماشه بنجبل سه و نیم ماشه راز فلفل سه و نیم ماشه تخم
 یک نیم تو له کوفته بنیه غسل سه وزن ادویه انداخته بدستور معجون سازند معجون مصلحی منقوی
 اعضا کا سرریاح مسک باضم مضرب بهمنین یک تو له نو دین یک تو له سوسلیین
 دو تو له فلفلین دو تو له تخم بلبلون یک تو له سوسلیین یک تو له بوزیدان یک تو له
 بادیان یک تو له مصلک شش ماشه گل شنبلی یک تو له انیسون بنجر خرد شش ماشه تخم فلفل خشک
 و لایتمی شش ماشه عود خام یک تو له ابریشم خام یک تو له زرب شش ماشه حبس بلبله
 بذر بلبله سفید یک له بنج لعل یک تو له بنج سوسلیه یک تو له بوزیدان یک تو له بنجبل

تا که کوه سینه توله هیچ بند شش داشته سوزانی شش داشته که گریش شش داشته تخم کله شش داشته
 تخم شش شش داشته تخم انجیره شش داشته اسیت شش داشته تخم قلمی سینه داشته کشید خشک
 شش داشته شفا قل مصری یک توله حب الاس شش داشته خنشا شس سفید یک توله جو چرس
 شش داشته صندل سفید شش داشته پوست بلبله زرد و توله پوست بلبله کابلی و توله تخم انجیر
 یک توله تخم قمر سندی قشربیک توله تخم جامن یک تله تخم یک توله صمغ عربی توله
 صمغ دهاک سه توله در پنج عطری یک توله جوز بواجار داشته لب با سه چهار داشته قرفل
 شش داشته کوفته بنجیه عمل مصفی پا و آمار شربت انارین پا و آمار آب بنیم پا و آب سبب
 بنیم پا و آب ناشتیانی نیم پا و لب آله مر پی پا و آمار لب بلبله مر پی پا و آمار بقوام آورده و در
 داخل نموده ریگ ماهی سه توله ماهی رو بیان سه توله مغز خشک زخا نگلی چیل عدد در عین
 کاه و بریان نموده افزوده بطریق معهود معجون سازند وقت تیار می یاقوت رمانی شش
 شب بنبریک توله شب سفید یک توله مر و ایدنا سفته یک توله که برای شمی یک تله
 طباشیر کبود و توله ثعلب مصری تخمه سه توله مرجان سرخ یک توله در عرق کیوئ
 چشمانک آمار ساینه افزوده مغز بادام شیرین چشمانک آمار مغز پسته چشمانک آمار
 مغز فندق چشمانک آمار مغز حلغوزه چشمانک آمار مغز اخرو و چشمانک آمار مغز حب الزلم
 چشمانک آمار مغز ناجیل تازه چشمانک آمار مغز حب سسته چشمانک آمار در عرق کیوئ
 بقدر موافق ساینه اضافه نموده در هم کرده در عفران تخمه سه داشته مشک طالص داشته
 عنبه اشوب سه داشته ورق طلا چهار داشته ورق فقره نه داشته انداخته حله کرده بقوام معجون
 ملخ با ضمیم مضغ غذا کند برودت معین را زایل سازد و ریاح تجلیل سرد نکال نمود چنانچه توله
 نمک سیاه چهار توله سنین لون چهار توله نمک فطری چهار توله نمک انجیر چهار توله خشک
 یک تله فلفل یک تله دار فلفل یک توله انیسون ه داشته آله مقشر منقح و توله آله خواهه
 تخم کرفس نه داشته قرفل نه داشته جوز بوا سه داشته لب با سه سه داشته سفید لطیب شش داشته تخم ک
 شش داشته سعد کوفی شش داشته آنتیمون ولایتی یک نیم توله عود سندی یک نیم توله ارجنی
 یک نیم توله پوست بلبله کابلی یک نیم توله بلبله سیاه یک و نیم توله پوست بلبله یک نیم توله و صطکی

محررات ریاضی
یک توله اول تک بار آب اندک شسته از غبار پاک کرده بران نمایند و باقی از دو به کوفته بمیخته
بآن مروج ساخته و شسته نگاهدارند و سر آن محکم بسته و از آنجا به دور رسد فقط مسی
لبه بار تخته و خوشه تک و خوشه پنجم پنج توله تو تیا می بنزد و توله اول را در طریف گلی
آب ناریسین کرده ثانی را نیم کوفته آغشته و در هم برهم نموده و آب لیون کاغذی تر کرده
بر آتش گذاشته بنزد چنانکه خفته شود بعد از مازوی بنزد سه توله بر می شش شسته و سطح گلی شش
با یک شش شسته سوین مکشی شش شسته فاقه کبار شش شسته شک یک شش خور یک
جو تری یک شسته اضافه کرده با یک ساین بدستوری سازند ایضا برای دور و
براده آهن شسته توله پوست وخت مویسری سه توله کات سفید سه توله طبله سیاه سه توله
توتیا می هندی یک که میرا کسین یک توله چوب چینی یک توله زاج سفید دو توله
پوست انار ترش یک توله جدا جدا کوفته براده آهن بر سنگ با یک نموده با آغشته
بدستوری ساخته بر دندان مانند و اگر وجع باقی ماند یک مرتبه مضغه بر روغن کنجد شش
آب گرم نمایند وقت خواب و آب سرد بر دندان نرسانند معنی اگر از اخروندی آرد
حکله و شسته پوست پنج خریزه چهار شسته ششم خریزه نه شسته ششم تریب شش شسته تخم شست
شش شسته نمک هندی شسته اصل لپوس شش شسته ششم شش شسته در آب
سه آتا رجوشانیده تا که ثلث ماند مالین صافی نموده آب برگ تریب ده توله سکنجبین سیاه
شش توله اضافه نموده نگاهدارند و بوقت حاجت قند از آن گرفته و آب گرم حکله
پوشین بدستوری نمایند هر هم سورش خراحت اوفع کند و گوشت نوبر و
و مسی ست بر هم بعضی موم سفید یک توله در روغن گل بار و غنجد سه توله حکله سفید
چهار توله اضافه نموده بمالایند تا مثل موم شود هر هم را می شقاق مقعد و در وانه
بو آسیر سفید و مسی ست بر هم مقل - مقل از ذوق سه توله موم زرد یک نیم توله در روغن کوبان
که عقیق و دلو له ریزه کرده در رجوشانید با مهند و مغز تلک کار یک نیم توله در روغن خسته
زرد آلو سه توله یک نیم توله در زده ششم مرغ یک نیم توله اضافه نموده بمالایند شش موم
ایضا مثل سابق مقل از ذوق و دلو له و آب شش تان شش توله حل کنند و موم زرد یک نیم توله در

کجاست که تولد بگذارد و هر چه این میخیزد روغن پیر مرغ یک و نیم تولد در روغن کوبان شیر یک و نیم تولد
و منقر قلم کا و نیم تولد اضافی نموده و صلا کنند تا مثلین هم شود هر چه زنگار نیم تولد بنجور و زخم خشک
کند زنگار صلا ریه و نیم باشد با موم هفت هفت باشد و کندن هفت باشد و راتخ هفت باشد و شیشه
صنعت صنوبر کوفته بنجور و روغن زیت هفت و نیم باشد که اخته در کفانی آهنی حل خشت شب یانی
سه و نیم باشد اضافی فرموده بطریق موصوفه ساخته مثل هم کند هر چه کافوری که تریدگی
لب و سوزش و ناسور سوختگی آتش زانافه باشد و در خشک هفت باشد سفید کاشغری
هفت باشد موم سفید هفت باشد روغن گل و تولد موم را در روغن گل اول بگذارد و او را و
کوفته بنجور اضافی نموده در مایون بسیارند تا هموار شود و بگذارد تا خشک شود پس سفیدی
بسیار مرغ یک عدد و کافور خالص و و باشد داخل نموده بدستور هم سازند هر چه در
و جسته اش با خلیون اینکه داخل یون و لغت یعنی لعاب است و درین هم لعاب است اندر
درم صلب و سخت مثل طحال که مریض شده باشد با دیگر سودا و می غمزه آن مردار سنگ است
در روغن زیت پنجاه درم در گرگه ای آهنی را آتش نرم ملائم نیند و بسته چوب بید یا نیت کت
واده باشند تا مردار سنگ بسوزد و سیاه شود آنکا لعاب تخم گمان پنج درم لعاب تخم
حلبه پنج درم لعاب تخم خطمی پنج درم لعاب تخم و پنج درم لعاب سفید و پنج درم قدری قدری
انداخته بدست چوب کور حرکت واده باشند تا جملی لعاب جذب شود و توام غلیظ گردد پس بگذرد
و تولد اضافی نموده و نظیرت سفال بنگا دارند و بکار برند هر چه هم ترکیب جدید بسیار و تحلیل
و بر تحلیل درم سون و کبد که صلب شده باشد از جگر باست غنچه گل سرخ که لعاب لعاب
یک تولد گل نغشته یک که سبیل مندی هفت باشد گل خطمی سفید و تولد تخم خطمی و تولد گل بابونه
خشک هفت باشد اکلیل الملک هفت باشد بذر تخم و تولد حلبه و تولد در عرق عنب لعاب
نیم تا اگر کلاب خالص پا و آثار تر کرده جو شانید صافی نموده آب عنب لعاب بنبر هفت تولد
شیر شتر پنج تولد سرکه خالص و تولد آب کاسنی بنبر هفت تولد روغن گل پا و آنرا آمیخته بپوشانند
تا آب بسوزد و روغن بماند پس مردار سنگ استی درم بران جو شانید و قتی که غلیظ شود پدید کرده
شش تولد پیه یا کبان و تولد موم زردست تولد که اخته آمیخته نظیرت گل آبی رسین بنبر و هفت

حاجت برپا چنانکه صلب طلا ساخته قدری گرم نموده بر معده یا کبد و غیره بچسباند مگر اگر
 برای تقویت اعصاب و جودت به هضم و تغذیه قلب گوشت حلان مفتی از جربی و استخوان گرفته و سیل
 و نون که شیر خشک سه توله سوده یا شیش بطور بخنی بخند و قنیکه مهر اشود صافی نموده آب بخنی گرفته
 آب باریک بنریک آثار آب غلب بنریک آثار آب انار بخوش نیم آثار آب به با و آثار آب
 سیب با و آثار کلاب خالص یک نیم آثار عرق باریک یک آثار آب گک است اینچه سازج
 بندی یک توله عود غرق یک توله آب بر شیم خام مقرض یک توله پوست زرد اثر ج و دو توله
 انار دانه سه توله زرننگ به سه توله کل سبونی سه توله پوست بیرون بسته سه توله زرد و
 سه توله دانه سیل سه توله که در سهاق سه توله تخم گز و دو توله طباشیر کبود و دو توله حب الاس
 و دو توله حشاش سفید و دو توله تخم باریک سه توله زعفران تخم سه ماشه اضافی نموده
 به سبوری عرق کنند و موافق حاجت بکار برند مگر اگر مصلحی میبایست مضمی مغزی مفرج و ج
 قسم اعلی ده توله عشب مغزی پنج توله بادرنجبویه پنج توله سنبل الطیب پنج توله سعد کوفی چهار
 قر نقل چهار توله بویان چهار توله آسارون سه توله دارچینی چهار توله قاقلین شش توله همین
 هشت توله نورین هشت توله موصلین هشت توله زرناد چهار توله غنچه کل سرخ پنج توله
 کل سبونی پنج توله شقایق مصری چهار توله تخم انجبر سه توله تخم فرخنگ و لایتنی چهار توله
 برگ فرخنگ سه توله مصطلکی چهار توله نساع خشک پنج توله بنجیل سه توله سازج بندی
 چهار توله خولیان چهار توله برگ تنبول یکصد عدد و بخنی گوشت حلان نر زده آثار بخنی گوشت
 پنج عدد گوشت کبوتر بچیده عدد گوشت کبک پنج عدد گوشت دراج پنج عدد گوشت پودنه
 یعنی بطیرشی عدد گوشت کج خشک نر خاکلی صد عدد آب نیشکر چهار آثار آب رنگه سه آثار آب
 میو می شیرین چهار آثار عرق کپور پنج آثار عرق گاو زبان ده آثار کلاب خالص پنج آثار
 آب انارین پنج آثار بیدستور است و پنج آثار عرق کنند اینضا گوشت کج خشک نر خاکلی
 سی عدد گوشت پودنه پانزده عدد گوشت بز جوان یک نیم آثار گوشت دراج پنج عدد گوشت
 هشت عدد از جربی و استخوان پاک نموده و از چینی و توله نقل نه ماشه دانه سیل سه توله شیر
 پنج توله سوده یا شید بطور بخنی بخند و قنیکه مهر اشود صافی نموده آب بخنی گرفته سازج بندی

یک و نیم توله بادریغیه و دو توله عود عرقی و دو توله بادیان سه توله کاذبان و دو توله گل سیوتی سه توله
 ابریشم خام مقرر و دو توله قلعین چهار توله صندلین چهار توله صندلین چهار توله صندلین چهار توله صندلین
 صندلین چهار توله جوزبوا سه توله نشاسته یک توله ناتخواه و دو توله زعفران شش ماشه شش ماشه
 دو توله شمشک یک توله تخم کدو و دو توله طباشیر کبود یک توله انیسون خشک و دو توله تخم
 یکتله لونه لاجان و دو توله نوزیدان و دو توله تخم بلنون و دو توله برگ تنبول و صد عدد واضا
 نموده آب بنفشه نیم آنا را آب رنگه با و آنا را آب لیمون شیرین نیم آنا را آب نارنگی ولایتی
 با و آنا را آب بوندا نیم آنا را سیب ریزه کرده با ریزه کرده با ریزه کرده با ریزه کرده با ریزه
 کرده با و پنج عدد انجیر زرد ولایتی و پنج توله میوه منقح و پنج توله و مغز بادام شیرین و پنج توله میوه منقح
 و پنج توله خرباشی خشک ریزه کرده و پنج توله مغز فندق و پنج توله مغز گرد و پنج توله مغز اخضر
 و پنج توله آب آنا را شیرین نیم آنا را آب آنا را میوه نیم آنا را عرق میوه و دو آنا را عرق بادیان
 و پنج آنا را اضافه نموده بدستور عرق کشند وقت کشید قلع بصری سولمان کرده سه توله شمشک
 خالص باشد و بر بوی ملی بسته بدین غیبه آویزند

باب النون

نوشته ابر و اغصای رطبه اوت و ده و فغان رافع باشد و لون چهره نیک گرداند و بوی
 عرق خوش کند و اشتها طعام آورد و گل سرخ یک توله نه ماشه سعد کوفی یکتله نیم توله قرقفل یکتله
 مصطکی رومی یکتله آسار وین یک توله سبیل طبیب یک توله قافله صفا هفت ماشه قافله کباب
 هفت ماشه سیاه هفت ماشه زرب هفت ماشه جوزبوا هفت ماشه قرفه هفت ماشه زعفران
 هفت ماشه آله منقش منقح با و آنا را قند سفید نیم آنا را و یک چمخانهک عسل مصفی نیم آنا را و یک چمخانهک
 آله را اول کشاید و روز و شیر سه نیم آنا را بخمساند پس بشویند و در قدری آب بجوشانند تا ماهر شود
 پس از غریب برون کنند و با قند و عسل مذکور به قوام آورده زعفران تخم سه ماشه آب موافق
 حکم کرده اضافه نموده حرکت دهند پس باقی با و دیا جدا نمائید و حسب حاجت استعمال نمایند
 فصوص که مثال کبریت برای دفع خارش و فساد خون اگر اصل زرد بادامت نموده شود بر گرد
 نیت یک آنا پوست و دخت نیت یک آنا شرب نیم آنا را گل دخت نیت نیم آنا را گل فضا با و آنا را

عصاره عصاره الحارث شش باشد تخم خطمی شده باشد بخور مرهم شده باشد کوفته بخته در بینی است
نفوخ که صرخ را سود دهد و باد و شیره شده باشد تخم خطمی شده باشد کوفته بخته در بینی است
یک باشد کوفته بخته در بینی است نفوخ که گندنی بینی را سود دهد و قویا می بندی
یک باشد و مشک شده در عصاره ان شش باشد قرفصل شش باشد کوفته بخته در بینی است

باب الواو

و جو که چون مصرع چکان بهوش آید حکایت یک شده عود صلیب یک شده چند بستر یک شده و بجز
عصیل دو تکه که در درمن چکانند ایضا نافع برای غشی مشک صلیب یک شده و عرق یونجه توله تا در چکانند

باب الحصاد

باب الیاء

یا قوتی برای تقویت باه و اعصار و مفرح گران قیمت یا قوت ربانی ده باشد یا قوت رزق
چهار باشد بسد چهار باشد لعل چهار باشد عقیق بینی شده مرارید ناسفته شده باشد
شب بند و ده باشد زرد خوشترنگ و دینیم باشد و ورق طلا چهار و نیم باشد و ورق نقره پنج باشد
زعفران شش درم کاو زبان شده باشد گل محووم ده باشد گل ارمنی یک نیم باشد بستراب
یک و نیم باشد مشک قبی چهار ده سرخ عود هندی یک شده کاو خالص یک باشد تخم
بادرنجوبه چهار ده سرخ تخم فرخمشک و لایبی و ده باشد و درنج عطرلی و ده باشد بونگا
فرخمشک خشک و ده باشد صندل سفید یک باشد صندل سرخ یک باشد شقال مصری
یک شقال بهمنین و دوشقال و قرفصل نیم درم سمانج هندی یک و نیم باشد اشنه یک نیم
و ارچینی و ده باشد پوست زرد اترج سه درم ابریشم خام ده باشد سنبل الطیب یک نیم
نارمسک ده درم کشنیز خشک نیم درم مغز تخم کدو یک درم مغز تخم خیارین چهار درم یار
شتر اعلاهی ده باشد آب حبیب شیرین سه توله آب به شیرین چهار توله آب انار میخوش
چهار توله آله قشربیک توله گلاب خالص چهار توله عرق بهار چهار توله عسل مصفی را بر روی
بنات سفید و چند ادویه همچون سازند ایضا مرارید ناسفته یک درم سر جان یک درم کبریا یک درم
فرخمشک و لایبی یک درم صندل سرخ و درم صندل سفید و درم طیار شیر کبود و درم زرباد

دو درم بادی بگوید و دو درم قمر تفل است درم سافنج میزند و دو درم عود قماری و دو درم ابریشم مقرر خلق و دو درم دست ترنج و دو درم گاو زبان و دو درم ریح عطری یک یک م لعل یک م یا قوت رمانی یک درم عقیق یک یک م درق طلا یک م درق نقره یک درم غیر اشهب یک م کافور خالص یک م زعفران تخم کبوتر م شک خالص نیم درم قند سفید پنجاه درم غسل مصطفی پنجاه درم بیدار بوسان

تمام شد

خاتمه در بیان بعضی مفاد و آن مشتمل بر سه فصل فصل اول

در بیان علاج بعضی سموم که اگر کسی خورده باشد و گزیدن بعضی جانوران که اگر کسی آلوده باشد

تابع

باید است که قی نمودن برای کل سم مفید می افتد و اگر قی نمایند و بیفید خوراندند خصوصاً با این طوری نمودن که اول غذا دهند و بعد مدت فلیل حکم قی نمودن کنند که اثر سم غذا آید و اعضا محفوظ مانند این حکم و قیست که شکم خالی باشد و در صورت بری شکم حاجت طعام خوراندن نیست و بعد از سرفه شیرازه باروغ غریز و خالص مینویسند خوراندن را بطلان نظیری ندارد خصوصاً باروغ غریز

علاج افیون خورده

افیون خورده را باید که اول قی کند بطبیعی شست و ترب و نمک و غسل بقدر کفایت بقدر مسکه که خسته و شیرازم آمیخته نباشد فقط ایضاً حلیت با شراب جلوده نوشاندن مفید است و خاصه شراب کینه و اگر در چنینی ترصم نمایند بهتر است ایضاً حلیت و آبجول و فلفل با هم آمیخته مقدار اندکی بنده میخ ریخته خوراندن مفید است ایضاً برگ نورسته بیدار میخ یعنی از بذر مالین و قتی که عرق آن بر روی آید و در گوش و حلق چکاندن مفید ایضاً روغن قطر بر سر و بدن مالیدن مفید می باشد ایضاً کافور خام و آب تازه تر کرده فشرده نوشاندن مفید و افیون که همراه روغن کبج خورده باشد لا دواست علاج کسی که انسپول گرفته خورد و باشد انسپول گرفته خورده باید که قی بطبیعی نکند و زرده تخم مرغ یک عدد و جد و ارد و ماش با هم آمیخته بپزند و شیر تخم غرقه سیاه با چهار تخم بنوشانند علاج کسی که سم الفار یعنی سنگها خورده و باشد سنگها خورده را باید که اول قی کند و سعی کند که بسیار آید تا که کپس از آن متعین نماید اگر در علاج بیاثر

نوشن باشد اگر آنجیکر رفته باشد هم سقز غمی باید که لا محاله فی الجمله دفع سم خوا بود و اگر چه اعضا را از
کیف آن مکیف خوانند شده و در موضع چسبنا از جسم آن سواهی کیفیت باقی نخواهد ماند و بعدتی بدست
روغن زرد که اخته و شیر با هم آمیخته چندان که از آن نوشین شود و نشانیدن مفید و سم الفها که گفته بخت
بخورند و نه لایسته آن و غنی سواهی روغن زرد و نوشند لا و است

تدبیر گزیدن جانوران سابق الذکر

تدبیر ما گزینش و پندی سانپ نامند عصا کرب در لاسن مار گزیده ریختن با نیطوره که فرورود
مفیدست و تعلیق بار مصره و گردن ملذوع دفع سم میکند و همین کنیز خزانیدن مفید و اند
فج یعنی بزنا تو هم مفید اند و اب را که در وضع دفع یعنی میند که نخفته باشد نشانیدن مفیدست
و ضا و اجمل که پندی آهونی نامند بر موضع لذع نمون مفیدست و ضا و بالونه حسب الالاس
و آرد مطر مجموع با تراده یا شارب مفیدست و گل بر پلایوس همراه تنباکوی کشیده
کشیدن در دفع اثر سم مار سریع الاثر است و اگر نتواند شخص دیگر کشیدن بدین ملذوع ساقند
مهرب است تدبیر عقرب گزینش عقرب را پندی همچو نامند و تدبیر گزیدنش اینکه عصا
تخم کاهو با عصا برگ آن و لبن ابقر و لبن زرد سکه و طین مخوم و عصا برگ
نوشه و لعاب سیفول و مار خیار با هم مخلوط شود و ضا و نمون مفید و کل مبدات مفید شود
قاصص باید دانست که قصد در لذاع کل هوام منفع است زیرا که انتشار سم شبست تحریک
خون بدان میشود و مگر در لذاع عقرب جواره که قصد واجب است بجهت اینکه مجرور دیش
سمیت در کل بدن سرایت میکند و از مزین هو خون جاری میشود پس درین حالت قصد موجب
تعلیل سمیت میشود فقط تدبیر گزیدن سگ و یوانه باید که در موضع جراحت غسل و پاز
و نمک و نظرون و سداب و با قلا و بادام تلخ ضا و نمون مفید و قدری نظرون سبک که آینه
بر موضع مذکور نهادن و انداعلم بحقایق الامور

فصل دوم و طر و بعض حیوانات

طر و موش که پندی جو مانند اگر یک موش گرفته و خسی ساخته را کنند همه با فر گزینند
و از نند مقل و گوگرد و شاخ گوزن و سر گین سپ و اسپند می گزینند و اگر مردار سنگ و غیره

و سبک و خفایا و لذت و لذت و عطران و عطران ساخته مخلوط با سبک و سوراخ اندازند
و قیقه بچند بیزند و اینها سبک افار و در آن گندم پهن عمل کنند و زنبور زنبور را بپزند
سبک نمائند اگر عصاره خطنی یا خنجر بی بار و غن زیت بر خود مالند زنبور گرد نیاید و طبع
ابن عربس یعنی یونان این از بومی سداب که بپزند می تکی نمایند و از نماید طر و ذباب و بپزند
مکملی میندازد و زنبور زنج و کندش و بپزند و اگر زنج یعنی برمال در جا و شیر حل کنند و آب
و در آن سبک نگاه دارند هر گس که در روی افتد میرد

فصل سوم در بیان نخبترین بعضی اطعمه از ترکیب علوی

فستق کباب گوشت بز تازه یک آمار سکه دو آمار و یک باونک دو توله قاقله یک توله
قرنفل چهار ماشه مرغ شرخ شش ماشه مرغ سیاه چهار ماشه زیزه سفید بریان شش ماشه
سوزنه سیاه بریان چهار ماشه باویان بریان یک توله کشنده خشک یک توله اورک نیم باویاز
باو آمار و لیسن یک توله کهری چهار ماشه انجیر زرد سده دانه زعفران شش ماشه عرق لیمون
کاغذی نیم باو اینهمه مصالحه و اگر گوشت آینه همه اور و غن باو آمار و ماهی تا به برتش
نرم زغال یعنی کوله بریان نمایند و پیاز حمله تراشید بریان نموده سوده با خجرات نیم کاف
اضافه نمایند هر گاه گوشت بسخی گزاید آب لیمون مذکور بران بریزند خواه بود چاره دهند
بعین بخورند فقط ترکیب نخبترین باهی که خارا آن هم مثل سبک شود و مایه تی تازه
یک آمار و غن گا و یک آمار اورک نیم آمار نمک چهار توله با هم مخلوط نموده در کوزه
کرده و بین و یک از آرد و بند کرده چهار پیکر کش نرم دهند بعد تناول نمایند ایضا مثل
سابق بسیار خوش رنگ و خوش ذائقه مایه تی تازه دو آمار نمک سیاه سبک توله غن
گا و دو آمار خجرات چهار آمار اورک سوده نیم آمار مرغ سیاه چهار ماشه قاقله ضفار
چهار ماشه و قرنفل سوده چهار ماشه پیاز حمله تراشید باو آمار زعفران تخمه و دانه
و در چینی سوده و دانه بریان با شش مرغ خجرات در شکم آن داخل کرده و انچه بماند
همه را یکجا کرده در دیگ پخته و بین و یک از آرد و بند کرده بر آتش نرم تا چهار پیکر بپزند
و بعد تناول کنند ترکیب نخبترین و آل از هر و موزیک آل از هر یک رنگ

ماو آمار روغن گاویک آمار پیاز یک ونیم آمار لودک نیم پادمرج سرخ یک ونیم چھٹا تک
 نمک هفت توله عرق لیمون کاغذی سہ چھٹا تک بدستور نیزند ترکیب تخمین
 قلیہ حاشنی اگر گوشت بزرگ آمار روغن گاویا و آمارا شکل سفید یک نیم پاد آب لیمون
 یک ونیم پاد و ارچینی دو ماشہ قرقل دو ماشہ زعفران تحفہ دو ماشہ قاقلہ دو ماشہ پیاز
 نیم پاد و لک یک و ام نمک یک و ام اول در نصف روغن پیاز بریان نمودہ گوشت
 را لکھا روادہ بدستور قلیہ نیزند ترکیب تخمین نان تنک کہ بہندی تنکی نامند۔ سین یک
 روغن پاد آمار نمک یکد ام شیر گاویا و آمار اول در سین نصف روغن اسنخہ از شیر کھنڈ
 وشت نرم دہند و خمیر کنند بعد دست شدن خمیر روغن باقیماندہ اسنخہ بوزن
 دو و ام ارد و خود کہ بہندی بسین نامندان تیار ساخته بدو باہی تابد کہ تہ و بالاد ہست
 باشند نیزند یاد رنور ہواسی نرم نیزند نان بادامی با بیطور نیزند۔ سقر بادام شیرین نیم پاد
 نبات سفید نیم پاد روغن دو و ام سفید بیضہ مرغ یک عدد و مقرر بادام را از پوست
 صاف نمودہ بادام یک سودہ نبات را شیر نمودہ آرہ بادام مذکور دران انداختہ بواشتن بند
 و اگر فحلت کنند چون بستہ شود بر کاغذ نان باریک بطرز نان خطائی ساختہ در دو ماہی نام
 نیزند و بالائی بہ ہم آتش بندند اگر آتش انکشت باشد نان خمیری ترکیبش انکیہ میدہ سہ پاد

جفرا ت یک دام بادیان دو و ام سین را از آب گرم خمیر نمودہ

یک گھڑی مشمت مال خوب نمودہ در پارچہ

پنبہ و ارچین دو پاس نگاہ دارند

و بدستور نان نیزند و نرم

رژا آب سرخ کنند

خاتمہ الطبع

بمعونہ تعالیٰ ہر کتاب لاجواب بفرج طلب مہیونم بحر جہات رضائی ہر لفظ حکیمیدہ صاحب صنایع
 در مطبع گرامی منشی نول مشور صاحب قلم کا پتہ رہا بہ جہادی مشاعر طبع گردید

CALL No. {

415

ACC. No.

۲۵/۳

AUTHOR

TITLE

مجلات اسلام

Date

No.

Date

No.



MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:-

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

